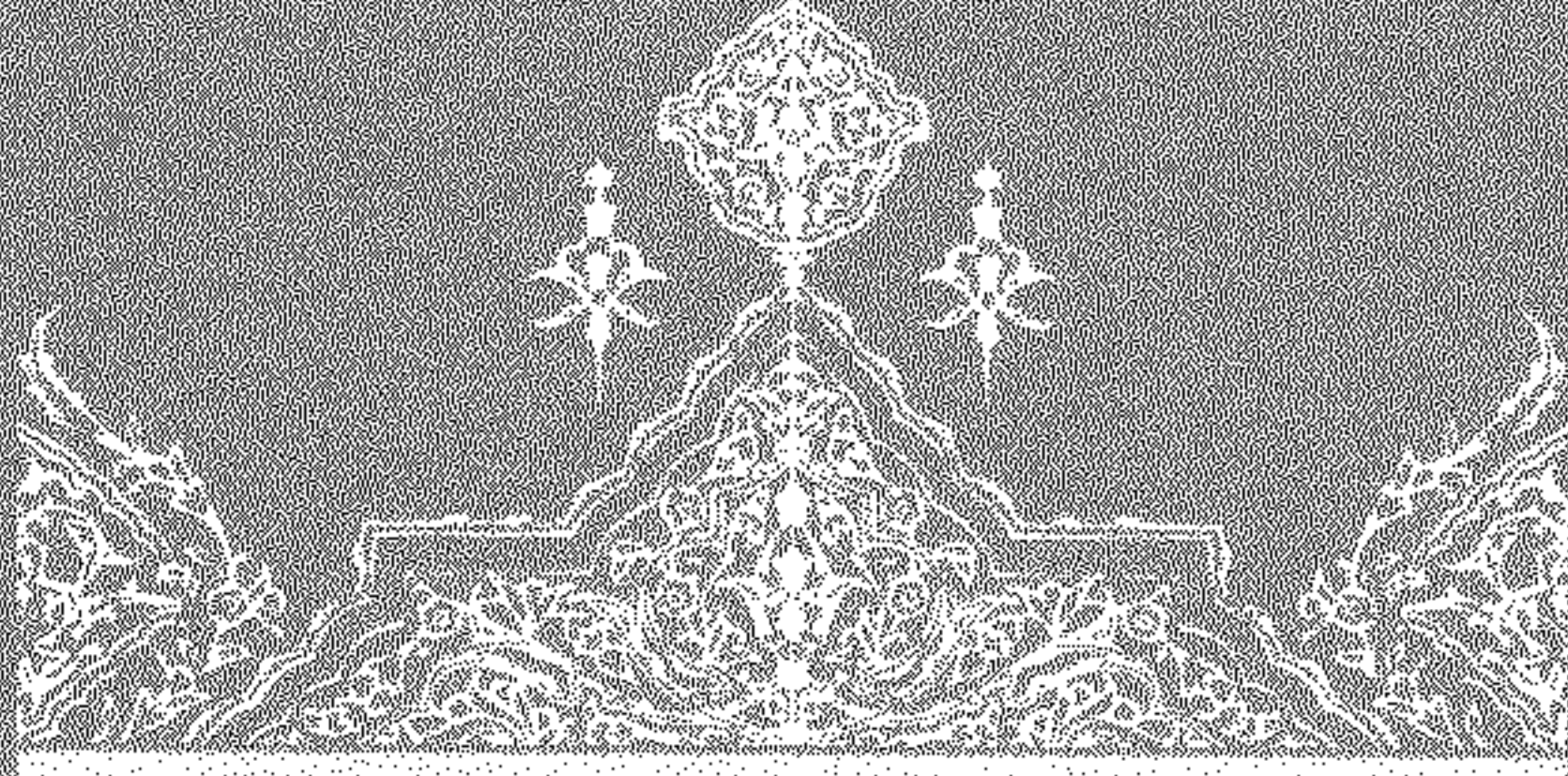


مشقکم کردن صراط

تنها رفتار استراتژیک در بحران
آخر الزمان

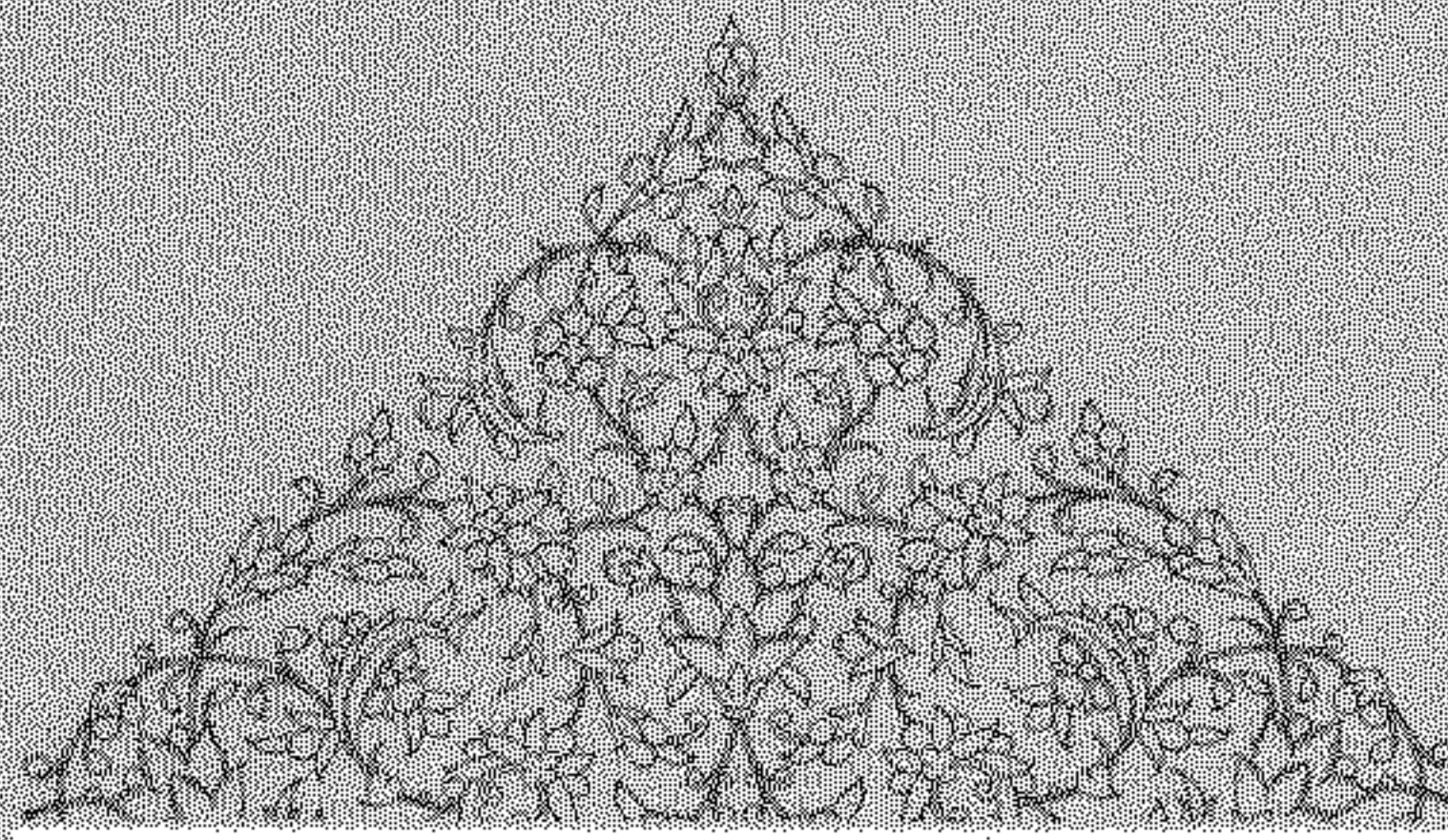
سعید اصفهانیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



«مستقیم کردن صراط»
تنها رفتار استراتژیک در بحران آخر الزمان

حجه الاسلام والمسلمین
سعید اصفهانیان



مستقیم کردن صراط

تنها رفتار استراتژیک در بحران آخرالزمان

تدوین:

حجه الاسلام والمسلمین سعید اصفهانیان

به کوشش:

دکتر فرهنگی اجتماعی سازمان جوانان استان یزد

دبیرخانه استانی شبکه حکمت

طراح و ناظر چاپ:

محمد صادق کوچک زاده

شمارگان:

۲۰۰۰ نسخه

شعبان المعظم ۱۳۴۳۰

مرداد ۱۳۸۸

السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيٍّ الْأُمِّ وَجَامِعِ الْكَلِمِ

سَلَامٌ بِرْمَهْدِيٍّ أُمَّتِهَا وَجَمْعِ أَوْرِكَلِمَاتِ



«فهرست اجمالی عناوین»

- پیش گفتار ۷
- فصل اول - به جستجوی «منظر برتر» در «آینده پژوهی»** ۱۳
- الف) منظرهای شش گانه در آینده پژوهی ۱۶
- ب) ضرورت آینده پژوهی قرآنی ۲۱
- فصل دوم - بخشی از «مقاطع آینده» در نگاه قرآنی - روایی** ۲۵
- الف) بررسی کلی مقاطع از زمان فعلی تا جنت ظهور (آیه ۲۱۴ سوره بقره) ۲۷
- ب) مطالعه مقاطع پیش رو، در تعبیر مشابه روایی ۲۹
- ج) جدول مقایسه‌ای «اسامی مقاطع» ۳۰
- د) اثبات وجود دو بخش در مقطع فتنه‌ها ۳۰
- ه) اتمام بخش اول فتنه‌ها، و آستانه بخش دوم ۳۵
- و) جدولی کلی از «مقاطع آینده» ۳۷
- فصل سوم - توصیف بخشی از «مقطع دوم آخرالزمان» در قرآن و روایات** ۳۹
- الف) تحقق آیه ۶۵ سوره انعام در آینده، بر اساس ادله شش گانه علامه طباطبایی ۴۱
- ب) تبیین روایی آیه ۶۵ سوره انعام، در هفت روایت ۴۲
- ج) توجه به دو نوع رفتار، در قبال چهار بخش از فتنه‌ها ۴۴
- د) پازل جدولی بخشی از مقاطع آخرالزمان ۴۶
- فصل چهارم - به جستجوی راهکار قرآنی در بزرگترین بحران ایجادشده در تاریخ بشر** ۴۷
- الف) ضرورت جستجوی راهکارهای الهی برای بحران‌ها ۴۹
- ب) بزرگترین بحران در بشریت، در زمان خلقت آدم^(ع) ۵۰
- ج) مطالعه ابعاد گوناگون مکالمه ابلیس با خداوند ۵۱
- د) مطالعه ماجرای مواجهه ابلیس با خداوند در سه مجموعه آیه ۵۱

۵۶	برداشت‌هایی از آیات مربوطه
۶۰	معنای «مستقیم کردن صراط»
۶۱	حکم خداوند و چگونگی «مستقیم کردن صراط»
۶۵	فصل پنجم - عبرت قرآنی از گذشته، در «مدیریت بحران» «امروز» و «آینده»
۶۷	الف) «مستقیم کردن صراط» بجای ایجاد ستاد بحران
۶۷	ب) مطالعه رفتار جبهه باطل در آخرالزمان: درخواست متابعت از رسل (ابراهیم ۴۴)
۶۹	ج) مطالعه رفتار جبهه حق در آخرالزمان: اصحاب صراط و ولایت (طه ۱۳۴ و ۱۳۵)
۷۰	د) درس‌های «مدیریت بحران» خداوند «برای امروز»
۷۵	فهارس
۷۷	فهرست تفصیلی
۸۲	فهرست آیات
۸۵	فهرست احادیث
۸۶	فهرست منابع

پیش گفتار

مقدمه:

در جهان رقابتی و جنگ تبلیغاتی - فرهنگی امروز، دیگر نمی توان با شیوه های سنتی و ارتباطات محدود گذشته به صحنه نبرد فرهنگی با غول رسانه ای غرب رفت. به همین سبب امروزه انجام طرح های فرهنگی موازی و عدم استفاده از تجربیات دیگران به معنی درجا زدن و مرگ تدریجی فرهنگ بومی کشورهاست. اینجاست که لزوم شبکه ای شدن فعالیت های فرهنگی احساس می گردد. از این رو سازمان ملی جوانان اقدام به راه اندازی شبکه فعالین فرهنگی - اجتماعی جوانان با عنوان شبکه حکمت نمود تا در راستای انجام فعالیت های فرهنگی و اجتماعی آنان جهت نیل به اهداف والای نظام مقدس جمهوری اسلامی قدم بردارد.

حال که با عنایت حق تعالی شبکه تخصصی مهدویت به موازات دیگر شبکه ها فعالیت خود را در استان یزد شروع نموده است، کتاب حاضر به عنوان اولین محصول قلمی این شبکه به شیعیان و محبان امام عصر ارواحنا فداه تقدیم می گردد. امید آنکه مورد استفاده و بهره برداری همه مشتاقان مهدویت قرار گیرد.

لازم به ذکر است مطالب گردآوری شده در این کتاب برگرفته از سخنرانی محقق ارجمند حجت الاسلام و المسلمین سعید اصفهانیان در دومین نشست شبکه استانی حکمت یزد می باشد لذا بر خود لازم می دانیم از ایشان بخاطر عنایت ویژه و مساعدت لازم جهت تدوین مباحث مطرح شده در این نشست کمال تشکر و قدردانی را بعمل آوریم.

و من ... التوفیق
دبیرخانه استانی شبکه حکمت
استان یزد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام بر مهدی (عج)، موعود همه پاک طیتان و الگوی همه خوبان؛ بر او که امام انسانیّت است و پناهگاه همه بی پناهان؛ بر او که آزادی بخش انسان است از یوغ ستم شیاطین و شیطان صفتان. سلام بر او و بر اجداد طاهرینش.

سلام بر مهدی (عج)؛ بر او که میثاقش در روز ﴿أَلَسْتُ﴾ از خلائق ستانده شد؛ بر او که معیار سنجش افراد، «عزم» نسبت به او بود و نخبگان عالم با عزم نسبت به او، به برترین کلاس های الهی راه یافته اند؛ و سلام بر او که حکومتش، از ابتدای خلقت انسان، آرزو و هدف همه خوبان بوده و هست.

سلام بر مهدی (عج)؛ بر امام و ولی و امیر و حکیم و ملک ما؛ بر او که ﴿خَلِيفَةُ اللَّهِ﴾ است، بر او که ﴿لِسَانُ اللَّهِ﴾ است و ﴿عَيْنُ اللَّهِ﴾ است و ﴿وَجْهُ اللَّهِ﴾؛ بر او که ﴿كَلِمَةُ اللَّهِ﴾ است و ﴿جَامِعُ الْكَلِمِ﴾؛ بر او که ﴿وَعَدُ الْآخِرَةِ﴾ است، به وصف ناید و هر آنچه گفته شود، ﴿مِيعَاةَ الْعُشْرِ﴾ی از فضایل او نیز نخواهد بود.^۱

خدایا! تو را سپاس که ما را شاهد نورافشانی خورشید ولایت مهدی (عج) در دوران تاریک غیبت کبری قرار دادی. خدایا! تو را سپاس که این قطعه از سرزمین را به ولایت او روشن فرمودی و به امارتش مستدام داشتی.

۱- تمامی جملات فوق، برگرفته از آیات و روایات می باشد.

سال‌ها پیش که غم فراق یار بر وجودمان سایه افکنده بود و خرمن کوچک وجودمان را شعله‌ور نموده بود، با همدردان خود پیمان بستیم که بهر جستجوی او از پای ننشینیم و تا برپایی دولت او چشم از خواب غفلت برگیریم. آرزو بر جوانان عیب نیست، به او برسیم یا نرسیم، در حکومتش متنعم باشیم یا نباشیم، در هر صورت کیسه‌ای از برای خود ندوخته‌ایم. ما سال‌ها به مادر مهربان امت نگریسته‌ایم و به فعل او در قبال ولیّ زمان، که شعار او عمل او بود و عمل او؛ ما نباشیم تا تو باشی.

گفتیم: مولا جان! باشیم یا نباشیم، می‌خواهیم هزاران سفره برایت پهن کنیم به وسعت عالم، که همگان بر خوان نعمت مهمان باشند؛ ما غلام باشیم و تو پادشاه، ما غلام باشیم و خوبان، مهمانان سفره‌ات؛ می‌خواهیم هزاران هزار اطعمه و اشربه رنگین بر خوان کرامت قرار دهیم تا همگان، سفره حریمت را غنی یابند و خود را محتاج تو. چه باشیم و چه نباشیم عزم کرده‌ایم که عالم را برایت گلستان کنیم.

گفتیم: ما فرزندان خمینی کبیریم و یاران خامنه‌ای عزیز. ما از خوبانمان درس عزت گرفتیم و شرافت، درس شجاعت گرفتیم و رشادت، درس عزم گرفتیم و غیرت. هنوز ندای پیر جماران به گوش داریم که امانت! امانت! امانت! همگان امانت دار مهدی‌اند و تسلیم کننده امانت انقلاب به صاحب آن. همو فرمود که:

«باقی باشد این نهضت و این انقلاب و قیام، تا صاحب اصلی ان شاء الله بیاید، و ما و شما و ملت ما، امانت را به او تسلیم کنیم.»^۱

هنوز ندای رهبر آزادگان را در دل داریم که:

«ای سید و مولای ما! پیش خدای متعال گواهی بده که ما در راه خدا تا آخرین نفس ایستاده‌ایم.»^۲

و هنوز کلام امیرمان، رهبر معظم انقلاب را در پیش چشم داریم که:

«در جهتی که حکومت امام زمان علیه آلاف التحیه و الثناء و عجل الله تعالی فرجه تشکیل خواهد شد، در همان جهت، زندگی امروز را بسازیم و بنا کنیم.»

آری! با توکل بر خدای متعال، ما فدکِ عالم را برایت گلستان خواهیم نمود، ان شاء الله.

۱- صحیفه نور ج ۱۵ ص ۳۸۵ - ۳ / ۹ / ۱۳۶۰.

۲- از سخنان مقام معظم رهبری - ۲۰ / ۴ / ۱۳۷۸.

مکتوب حاضر که پژوهشی است قرآنی، و عبرتی است از گذشته برای آتیه، به تاریخ ۸۸/۵/۲ در جمع فرهیختگان و جوانان برومند استان یزد، و اعضاء محترم سازمان ملی جوانان در همایش طرح حکمت ارائه گردید؛ اصرار دوستان و همت و پشتکار ایشان در مکتوب کردن عاجلانه سخنان حقیر، مرا بر آن داشت که با ویرایشی اندک، سخنان آن روز را بدست چاپ بسپارم و از خطاهای احتمالی در این فرصت اندک اغماض نمایم، باشد که این کمتر از ران ملخ، هدیه ای باشد به محضر پادشاه عالم، پیش از جشن نیمه شعبان امسال.

همانگونه که می دانیم بشریت با موضوع «آخرالزمان» در آتیه ای نه چندان دور، مواجه خواهد شد. در موضوع «آخرالزمان»، تعبیر مختلفی در نگاه محققین دیده می شود، همچنین رفتارهای مختلفی به عنوان راهکارهای عبور از آن صحنه عظیم مشاهده می گردد. اساساً در نگاه استراتژیک موجود، افراد تعلیم می بینند تا نگاه خود را معطوف به یک برنامه برای استان یا کشور، در یک مقطع زمانی چند ساله کنند؛ البته می توان این گونه محدود نبود، بلکه نگاه خود را معطوف به برنامه حاکم بر بشریت کرد و بر آن اساس به جستجوی برنامه و راهکار پرداخت، چه در حد یک استان و در یک مقطع و بازه زمانی مشخص، و چه فراتر و یا فروتر. بنابراین نیازمندیم که پیش از بررسی رفتارهای گوناگون برای عبور از بحران آخرالزمان، ابتداءً از منظرهای گوناگون به نقد «آینده پژوهی» بنشینیم تا جایگاه نظرات مختلف در این حوزه را بگونه ای مبین، پیش چشم داشته باشیم.

در این نوشتار، ابتداءً نگاه خود را معطوف به «منظر شناسی» آخرالزمان خواهیم کرد، سپس بر اساس آن منظر برتری که بر آن تمرکز خواهیم کرد، «نگاهی کلی» به مقاطع آینده خواهیم داشت؛ در ادامه به «توصیف اولین مقطع» زمانی پیش رو می پردازیم، آنگاه خواهیم دید که ما بحرانی جدی را پیش روی بشریت داشته و نیازمند به راهکار هستیم؛ با عنایت به نگاه قرآنی - که منظر برتر است - به جستجو می پردازیم تا ببینیم بزرگترین بحرانی که بر بشریت وارد شده چه بوده و چه راهکاری برای عبور از این بحران در نظام الهی تعریف شده است؟ و آیا آن راهکار می تواند برای آینده ما پاسخگو و نجات بخش باشد؟ آیا آن راهکار می تواند برای جامعه امروز ما مفید باشد و ما را از برخی از التهاباتی

که بوجود می آید - مثلاً همین التهاب اخیر انتخاباتی - برهاند؟ آیا ما می توانیم از دل یک منظر قرآنی، رفتاری را به عنوان یک رفتار صحیح و بنیادین، برای جامعه امروز مطرح کنیم یا خیر؟ امید که بعد از مطالعه مباحث، احساس مخاطبین بر آن باشد که در بین منظرهای مختلف، «منظر قرآنی» قابلیت ارائه متقن ترین برنامه ها را در «آینده پژوهی» دارد، و در مطالبه این مهم، از محققین و اندیشمندان بکوشند تا پرورش قرآنی مباحث «آینده پژوهی» وجه همت قرار گیرد.

در پایان بر خود فرض می دانم از یکایک اساتید و عزیزانی که در غنای این اثر یاری ام کردند، تشکر و تقدیر نمایم. امید که یکایک مشتاقان حضرت، بیش از پیش دست در دست هم نهند و با توکل بر خدای متعال و با عزمی راسخ، همت کنند و از مَهْدِیْنِ مُلْکِ عَظِیْمِ او باشند، ان شاء الله.

سعید اصفهانیان - ۸/۵/۱۴

مصادف با ۱۳ شعبان المعظم ۱۴۳۰

فصل اول؛

«به جستجوی منظر برتر در آینده پژوهی»

ابتداءً از عزیزان سازمان ملی جوانان که طرح «شبکه حکمت» را مطرح کردند و بدینوسیله باعث شدند که جمعی از جوانان و فرهیختگان جامعه دور هم جمع شوند و به جستجوی راهکارهای «قرآنی، معارفی» برای آینده باشند، از آنها تشکر دارم؛ امیدوارم که این گونه تلاش‌ها به عنوان یک ارزش تلقی شود، به عنوان یک فرهنگ در جامعه ما نهادینه شود، و خداوند محبت کند و روز به روز، دایره این اتحاد و همدلی را گسترش دهد، ان شاء الله.

با تفحص در مباحث «آینده‌پژوهی»، مشاهده می‌کنید که منظرهای گوناگونی در این بحث وجود دارد. در این جا مناسب است که بصورت خلاصه، بخشی از این منظرها مطرح شود تا اگر سخن و اندیشه‌ای را در کتب یا در کلام محققین می‌بینید، ابتداءً بدانید آن محقق ارزشمند، از کدام منظر سخن می‌گوید، و میزان همراهی شما با او تا چه حد می‌تواند باشد و باید باشد.

الف - منظرهای شش گانه در آینده پژوهی

۱- منظر علم نجوم و علم سحر:

بسیاری از گذشتگان، از منظر «علم نجوم» به آینده پژوهی پرداخته‌اند. این ماجرا ریشه‌ای بسیار کهن در تاریخ بشر دارد و از لحاظ زمانی، حداقل به زمان هاروت و ماروت^۱ برمی‌گردد، یعنی به زمان پیامبران ابراهیمی^(ع). به لحاظ زمانی، استفاده از علم نجوم و علم سحر توسط افراد منفی، در مقطع حضرت سلیمان^(ع) تشدید می‌شود، و در مقاطع زمانی پس از آن هم این موضوع به صورت گسترده مورد استفاده پادشاهان قرار می‌گیرد؛ حتی پادشاهان زمان اهل بیت عصمت و طهارت^(ع)، و پادشاهانی که در این هزار و اندی سال گذشته زندگی کرده‌اند، به استفاده از این دانش‌ها بسیار مقید بوده‌اند و از آن بهره برده‌اند.

امروز هم شما در پس پرده می‌بینید، آن‌ها که خودشان را به عنوان اهل علم این جهان مادی معرفی می‌کنند و لیبرال دموکراسی را نقطه عطف نگاه خودشان معرفی می‌دانند، از بدو انتخاب تا ارائه سیاست‌گذاری‌های کلان، به استفاده از این علوم مقیدند، و جالب آنکه بخش گسترده‌ای از سیاست‌های مربوط به جوامع را با همین علوم پیش می‌برند. امروز ما در جامعه خودمان نمی‌بینیم که در کنار یک خیابان، مغازه‌ای باشد برای ارائه اینگونه تفکرات، اما در غرب - اگر رفته باشید یا شنیده باشید - هر چند مغازه‌ای که باشد، در کنار آن یک مکانی وجود دارد برای ارائه علم سحر و جادو!

براستی جهانی که خودش را مهد تفکر و دنیای ساینس^۲ می‌داند، و لیبرال دموکراسی را وجهه همت خویش کرده است، به چه دلیل به استفاده گسترده از این دانش‌ها مبادرت می‌ورزد؟! چرا آن کسی که رئیس جمهور پیشین ایالات متفرقه امریکا می‌شود، قبل از انتخاب، مکرر نزد پیشگویان مختلف از جمله پیشگویان اروپایی می‌رود و با ایشان به سخن می‌نشیند؟ و چرا در طی دوران ۸ ساله ریاست

۱ - دو ملکی که از سوی خداوند به دنیا رهسپار شدند تا بخشی از علوم الهی را برای امتحان بشر، در دسترس او قرار دهند، رک.

آیه ۱۰۲ سوره بقره.

۲ - science.

جمهوری خویش، گروهی دویست نفره از پیش گویان و آشنایان به این دست از مباحث را برای رصد و تحلیل شرایط، به استخدام در می آورد و نگاه ایشان را در سیاست‌های خود اعمال می کند؟ و آیا ادعای «دریافت وحی» و «لشگر کشی به خاورمیانه برای نصرت عیسی (ع)»، جز با این پشتوانه محقق شد؟^۱ از این منظر بگذریم. به هر صورت این نوع نگاه، چه در دنیای گذشته و چه در دنیای علم زده امروز، میان سیاسیون بسیار رواج داشته و دارد.

۲- منظر فلسفی:

«آینده پژوهی» فلسفی، از شایع ترین آینده پژوهی های امروزی است. برخی از محققین ما و البته بسیاری از غربیان، از منظر فلسفی به آینده پژوهی نگاه می کنند. بنیان نگاه فلسفی به آینده پژوهی را می توان در اندیشه افلاطون و سپس در اندیشه فارابی، تحت عنوان «مدینه فاضله» بررسی کرد. «آینده پژوهی» فلسفی، البته از جنس غربی آن، امروز بسیار تقویت شده است^۲، و حوزه های مختلفی را از تفکر تا ارائه تصویر در برگرفته است. در میان نگاه هایی که تقدیم خواهد شد - شش منظر پیش رو - آن تفکری که امروز توانسته از مرز اندیشه فراتر رود و بنیادی ترین رفتارهای اجتماعی را در خود هضم کند، سامان دهد و الگودهی کند، تفکر فلسفی است.

شما می بینید که بنیانگذار «آینده پژوهی فلسفی»، فردی به نام افلاطون است، و با بحث «مدینه فاضله» این اندیشه را بنیانگذاری می کند، البته این نکته حائز اهمیت است که تفکر افلاطون در این باب، با تفکر «جامعه مهدوی» کاملاً متفاوت است، و متأسفانه عمده محققین از این نکته غفلت کرده اند. نه

۱ - رک سایت موعود.

۲ - امروزه «آینده پژوهی» فلسفی غربی با بهره از دیگر عناصر، به تفکری التقاطی تبدیل شده است؛ هم بر رکن فلسفه صحنه می گذارد، هم science را محصول خود می داند و از ابزار تکنولوژیک بهره می برد، هم «دانش سحر و نجوم» را از ارکان تقویت خود می شمرد، هم دوره پیش رو را دوره «ترنس مدرن» می نامد، و هم سیر کلی را به سوی به اصطلاح افق «سیتیزم» ساماندهی می کند.

تفکر افلاطون، تفکر مهدوی است و نه «مدینه فاضله» او «جامعه مهدوی عج». وقتی اصول این دو تفکر با یکدیگر مقایسه می شود، تناقضات بسیار جدی میان این دو تفکر عیان می گردد، از جمله این تناقضات، نظام طبقاتی مطرح در اندیشه افلاطونی است که حتی با جامعه اخلاقی نیز در تعارض است، تا چه رسد به جامعه آرمانی و مهدوی عج.

«آینده پژوهی فلسفی» افلاطونی که روزی به همت فارابی مبین تر شد، امروزه با تغییرات تمدنی و با عناوینی همچون آرمان شهر، خدا شهر، اتوییا و ... به حوزه فیلسوفان سیاستگزار کشیده شده^۱ و حوزه های ارائه برنامه، بر اساس این منظر آینده پژوه گسترش یافته است. «آینده پژوهی فلسفی»، امروز به عنوان اصلی ترین اندیشه سازمان دهی شده و پیشرو، سیاست های ایالات متفرقه آمریکا را پوشش می دهد؛ کلیه سیاست های اقتصادی، نظامی، و فرامرزی آمریکا، و پیش از آن ها سیاست فرهنگی، بر مبنای سیاست کلی «آینده پژوهی» سازمان دهی شده است. آینده پژوهی برای جبهه باطل آن قدر مهم است که اگر امسال، سال ۲۰۰۹ است، در برخی از مراکز فیوچرلوزی آمریکا، طراحی های استراتژیک مربوط به سال ۲۲۰۹ صورت می گیرد، یعنی دویست سال جلوتر از آن چیزی که ما امروز در آن هستیم.

اگر شما بخواهید بدانید که اوج اندیشه جبهه باطل در بحث آینده پژوهی در کجا نمود پیدا می کند و نقاط عطف نگاهش کجاست، می توانید این مطالعه را در «سینمای غرب» داشته باشید. اولین جایی که سیاست های آینده و آینده پژوهی جبهه باطل در آن نمود پیدا می کند، در مراکز تصویرسازی، خصوصاً هالیوود است. بی جهت نیست که شما می بینید بعضی از محققین، فیلم هایی همچون «نارنیا»، ارباب حلقه ها، هری پاتر و دیگر آثار مشابه را، فیلم هایی آخرالزمانی می شمرند و البته درست هم می گویند.

۱ - از افرادی همچون سنت آگوستین و توماس مور در گذشته گرفته تا افرادی همچون هانتینگتون، فوکویاما و ... در دنیای امروز.

شاید گفته شود آثاری که غربی‌ها در زمینه آخرالزمان طرح می‌کنند، آثاری است که با قواعد منطقی امروز ما سازگاری ندارد! در پاسخ باید گفت: اگرچه از دید ما افسانه است و غیر معقول به نظر می‌رسد، اما نزد آنان نه به عنوان افسانه، بلکه بر اساس سیاست‌های تحقق آینده و سوق جوامع به آن سو مطرح می‌شود!

خلاصه کلام آنکه «آینده پژوهی» فلسفی، بسیار گسترش پیدا کرده است، به حدی که حوزه تصویر را نیز به تسخیر خود در آورده است، یعنی قوی‌ترین حوزه ارائه، تبیین فکر، و تسخیر قلوب! جبهه باطل در تفکر «آینده پژوهی» در این نقطه ایستاده است: قلب گسترده مفاهیم آخرالزمانی و تبیین مرموزانه و شیطانی از طریق ارائه تصویر.

۳- منظر کلامی:

منظر دیگری که نسبت به آینده وجود دارد، منظر کلامی است. بنیانگذار این نگاه در مهدویت مرحوم سید مرتضی است با کتاب شریف «المقنع فی الغیبه». امروزه نیز بسیاری از محققین علمی و دینی جامعه ما از منظر کلامی به آینده نگاه می‌کنند. اگرچه این عزیزان پژوهشگر، در بخشی از کلامشان از آیات و احادیث هم استفاده می‌کنند، نگاه غربی را هم تحلیل می‌کنند، اما چارچوب تفکر آن‌ها چارچوبی کلامی است. عرض بنده بر سر چارچوب نگاه است؛ یکی چارچوب فلسفی دارد، دیگری چارچوب علم نجوم، و فرد سوم دارای چارچوب کلامی است. ممکن است که هر یک از این افراد، از قواعد نگاه‌های دیگر هم استفاده کنند، اما در چارچوب تفکر خود، از آن قواعد بهره می‌برند. بدلیل تنوع آثار موجود در این زمینه، از توضیحات بیشتر در این قسمت پرهیز می‌کنیم.

۴- منظرهای ترکیبی:

بعضی از منظرها منظرهای ترکیبی هستند؛ یعنی به همان قوتی که نگاه کلامی در آن‌ها وجود دارد، نگاه فقهی هم وجود دارد؛ به همان قوتی که نگاه فلسفی وجود دارد، نگاه کلامی هم وجود دارد؛ ما

نمی‌خواهیم وارد بررسی این گونه منظرها شویم، قصد ما در اینجا تبیین این منظرها نیست؛ می‌خواهیم برسیم به آن منظری که بشر باید بر آن منظر قرار بگیرد، بایستد و نگاه کند، و از آن منظر به «ارائه راهکار در بحث آینده پژوهی» پردازیم.

۵- منظر روایی:

منظر زیبای دیگری که در بحث «آینده‌پژوهی» وجود دارد و در این هزار و اندی ساله مورد عنایت برخی از پژوهشگران قرار گرفته است، منظر روایی است. یک انسان محدث، ممکن است از آموخته‌های کلامی و فلسفی هم استفاده می‌کند ولی اساس نگاهش را فرمایشات معصومین^(ع) قرار می‌دهد. افرادی همچون فضل بن شاذان، مرحوم شیخ صدوق، شیخ ابی زینب، سید بن طاووس، سید هاشم بحرانی، علامه مجلسی، مرحوم محمد تقی اصفهانی و ... از سرآمدان این حوزه پژوهشی‌اند. با ورود در این منظر در می‌یابیم تعداد پژوهشگران محدثی که در این حوزه به فعالیت پرداخته‌اند اندک بوده و رشد «پژوهش روایی» در این هزار و اندی ساله نیز، عمدتاً در حد «تبیین روایی» باقی مانده است؛ نهایت کار محققین در این باب، کتاب شریف و مبارک معجم احادیث امام مهدی^(عج)^۱ است که در عصر حاضر به همت برخی فضلاء تدوین یافته است. نکته جالب دیگر آنکه با تالیف کتاب مکیال المکارم در این عصر، «تبیین روایی» به «رفتار شناسی روایی» ارتقاء پیدا کرده است؛ به امید روزی که خلاء مشهود «تحلیل روایی» نیز با برداشتن گام‌هایی بلند و اساسی برطرف گردد. غربیان در منظر فلسفی ایستاده‌اند و حوزه تصویر را هم به تسخیر خود درآورده‌اند، ای کاش ما نیز همت کنیم و «آینده‌پژوهی» متقن و خدایی را بر اساس نگاه معلمان الهی تبیین کنیم. گنج‌های عظیم تصویری ما در روایات، به صورت مهجور و متروک در کتاب‌ها باقی مانده است تا شاید روزی استخراج شود و مسیر خدایی پیش رو تبیین گردد!! باید همت کنیم که کارهای بر زمین مانده و ضروری بسیار است.

ع- منظر قرآنی:

منظر دیگری که در «آینده پژوهی» وجود دارد منظر قرآنی است؛ ما می‌توانیم از فلسفه، کلام، روایات و ... بهره مند باشیم، اما اگر همه این عناصر در چارچوب قرآن به خدمت گرفته شود، اساس تفکرمان و چارچوب نگاهمان قرآنی خواهد بود، امید که چنین باشیم.

در زمینه «آینده پژوهی» قرآنی، خلأ جدی و دردآوری جامعه مسلمین را فرا گرفته است؛ بسیاری از پژوهشگران آینده‌شناس قائل به این هستند که اساساً قرآن نمی‌تواند به خودی خود، «آینده پژوهی مهدوی» را برای ما ترسیم کند. این سخن آن قدر در بین محققین شایع است که در برخی از دانشنامه‌ها و دایره‌المعارف‌ها به صراحت بدان اشاره شده است.^۱

برخی از افراد نیز، قائل به «آینده پژوهی» قرآنی البته با «اتکاء به روایات» اند و در تحقق این موضوع نیز تلاش‌هایی کرده‌اند، اما احدی را ندیده‌ایم که به صرف قرآن - و نه به اتکاء روایات - بتواند «آینده پژوهی مهدوی» را مطرح نماید، و البته این مهم امکان‌پذیر است. از خداوند می‌طلبیم که توفیق این روش را به خوبان از شیعه عنایت فرماید!

ب - ضرورت «آینده پژوهی» قرآنی

ممکن است گفته شود چه ضرورتی در «آینده پژوهی» قرآنی وجود دارد؟ پاسخ آنکه؛ اگرچه منظرهای فلسفی، کلامی و ترکیبی، منظرهایی است دارای نقاط عطف و جالب، اما برخی از نقاط آنها، ممکن است دارای ابهام و حتی انحراف باشد، لذا استقرار بر این منظرها عاقلانه نیست. ایستادن بر منظر صرف روایی و مطالعه آینده نیز صحیح نمی‌باشد؛ زیرا در نگاه روایی، اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) مقیدند تا به زبان مخاطب و حد او سخن بگویند و نه بصورت جامع، لذا تکیه صرف بر این منظر و بنا کردن آینده پژوهی بدین روش، اگرچه متقن‌تر از روش‌های دیگر است اما آسیب‌های

۱ - دایره‌المعارف بزرگ اسلامی ج ۱ ص ۱۳۴ ذیل مدخل آخرالزمان.

خاص خود را نیز به همراه خواهد داشت. در ادامه، توضیحات مبسوط‌تر آنچه گفته آمد را ذکر می‌کنیم.

۱- قرآن، جامع‌ترین متن آینده پژوهی

قرآن ارائه دهنده نگاه جامع است. از جهات مختلف آن هم به شکلی جامع، اصلی‌ترین زوایای هر موضوع را می‌شکافد و تبیین می‌کند، لذا در «آینده پژوهی» نیز، جامع‌ترین متن مورد اتکاء، قرآن است.

۲- قرآن و مخاطبین بسیار

وقتی قرآن به عنوان پایه استدلال مطرح باشد، دایره مخاطبین بسیار گسترش پیدا خواهد کرد؛ اگر با زبان روایات، می‌توان با جامعه شیعی صحبت کرد، با زبان آیات می‌توان با جامعه مسلمین و حتی با جامعه مسیحی و یهودی سخن گفت، چرا که متن قرآن به عنوان متن اول جامعه مسلمین، نزد شرایع دیگر نیز مطرح می‌باشد.

۳- قرآن، متن مورد اتفاق و بدون اختلاف

در حال حاضر، یکی از مجموعه‌های مهدویت‌شناسی در کشور، نشانه‌های آخرالزمان را به حسب احادیث مطرح در چهار منبع، جمع‌آوری کرده و به نقد و نفی آن‌ها پرداخته است!^۱ جالب آنکه این کتاب، به مدت دو سال است که به عنوان اثر برتر در حوزه مهدویت‌شناسی شناخته می‌شود! برآستی چرا مجموعه‌ای قابل توجه از نشانه‌های آخرالزمان، به تیغ نقد گرفتار شده و نفی شده است؟ پاسخ واضح است، زیرا اساس پذیرش احادیث توسط مولف محترم، قواعد رجالی، استفاده از تاریخ و... است؛ مولف محترم با قواعد مزبور، به بررسی حوادث آخرالزمان پرداخته و احادیث موجود را نقد

۱- تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، مصطفی صادقی.

کرده است. بر فرض پذیرش این نگاه^۱، خواهیم دید که آنچه تا بحال بر آن تکیه می کردیم در اندک زمانی فرو می ریزد و از دستمان می رود! با توجه به آنچه گفته شد مجبوریم که از اتکاء صرف به روایات حذر کرده و به سوی متن متقن تر حرکت کنیم.

۴- قرآن، متقن ترین متن

متن قرآنی، متقن ترین متن است و در مورد آن خدشهای وجود ندارد. اگر شما بخواهید برنامه ریز استراتژیست بشوید، - چه در این حد که بر اساس تفکرات موجود برای استان خودتان در یک بازه زمانی ده ساله برنامه ریزی کنید، چه اینکه بخواهید بر اساس نگاههای حاکم بر بشر و در محدوده زمانی گسترده تر برنامه ریزی کنید - متقن ترین متن برای برنامه ریزی شما، متنی است که از قواعد حاکم بر نظام الهی سخن می گوید. بهترین نقطه ورود شما، قرآن است که خطا و آفت کمتری دارد. اینکه می گوئیم آفت کمتری دارد، یعنی ما در برداشت دچار آفت می شویم، نه آنکه قرآن آفت دارد، این متن متقن قطعاً آفت پذیر نمی باشد!

۵- قرآن، و ارائه بهترین معیارها برای ساختن بنای فرهنگ

در ساختن هر بنای ساختمانی، تامل در دو مقوله جدی است؛ اول خشت بنا و دوم طراز آن. برای ساختن بنای فرهنگ و دین نیز می بایست به این دو موضوع توجه جدی داشت. وقتی می خواهیم بنایی را در فرهنگ بسازیم، ساختن بنا با خشت اول کج، امکان پذیر نیست. برآستی خشت اول در انقلاب اسلامی ایران چیست؟ آیا قرآن نسبت به این موضوع اشاره ای مستقیم دارد؟ آیا خشت اول بنای فرهنگ، توجه به همان هدف انقلاب یعنی حکومت آرمانی و جهانی حضرت حجت است؟ آیا افق ما

۱ - در صحت و سقم احادیث بر این اعتقادیم که، به صرف بررسی رجالی چیزی به اثبات نمی رسد، و بررسی فقه الحدیثی مهم تر از بررسی رجالی است؛ میزان توجه به قوانین رجالی در مباحث معرفت شناسی نیز متفاوت با مباحث فقهی است. در این شیوه، به بهانه تعارض ادله، نمی توان حکم به نفی موضوعاتی مهدوی همچون «پرچم های سیاه» و «طلوع خورشید از مغرب» کرد.

همسو با افقی است که امام راحل معرفی کردند؟! آیا افق ما همسو با افق اسلام ناب است؟! افق نگاه ما تا چه میزان با حکومت واحد جهانی که به عنوان افق اسلام ناب مطرح می‌شود، انطباق دارد؟! اگر افق‌ها یکی است، سوال بعدی آن است که طراز ما برای این بنای عظیم، دقیق تنظیم شده است؟ ما در این جا هستیم و ظهور در پیش رو؛ آیا ریسمانی الهی، ما را به ظهور منجی عالم متصل کرده است؟ آن ریسمان اتصال بخش، از چه سرزمین‌هایی عبور می‌کند؟ از چه صفاتی عبور می‌کند؟ از چه رفتارهایی عبور می‌کند؟ با چه رفتارها و صفاتی می‌بایست به سوی ظهور حرکت کنیم؟ ما این جا خود را نیازمند به متن متقن قرآن می‌بینیم؛ برای مبین شدن مسیر، مبین شدن صفات مورد نیاز و مبین شدن رفتارهای مطلوب. ما نیازمندیم که صراطمان مستقیم شود.

تاکید می‌کنم: صراط خدا مستقیم است، مشکل آن است که صراط ما مستقیم نیست! مشکل آن است که خشت اول ما منطبق بر صراط المستقیم الهی نیست، و طراز زندگی ما همسو با صراط المستقیم نیست، ما باید به مبین کردن و مستقیم کردن صراط خود پردازیم. مبسوط این بحث را در فصل‌های بعدی پی می‌گیریم.

۶ - منظرشناسی استراتژیک، مقدم بر سخن استراتژیک

در پایان این قسمت نیز تذکر این نکته را ضروری می‌دانم که شما در هر نقطه از این کشور که هستید، در نگاه به آینده و فرهنگ‌سازی، همچنین در تعلیم و تعلم مباحث مدیریت استراتژیک و رفتارهای استراتژیک، ابتدا منظر محققین را بیابید، و سپس به جستجوی جایگاه سخن اندیشمندان این رشته باشید؛ جایگاه کلام ایشان را بشناسید و در آن جایگاه، سخنانشان را مورد تحلیل قرار دهید، نه از ابتدا مباحث را بصورت مطلق بپذیرید و تفکر مطروحه را حاکم بر کل تفکر خود کنید، و نه آنکه بی‌دلیل به نفی مباحث پردازید. جایگاه سخنان را بشناسید، ارزش آن را بدانید، در آن حوزه مشخص به مباحث نگاه کنید و برای هر مقوله، به میزان جایگاه واقعی آن مقوله ارزش قائل شوید.

فصل دوم؛

«بخشی از مقاطع آینده در نگاه قرآنی - روایی»

الف) بررسی کلی مقاطع از زمان فعلی تا جنت ظهور (در ۲۱۴ بقره)

عرض کردیم که وقتی در جستجوی «منظر برتر» در مبحث «آینده پژوهی» برمی آئیم، به قرآن می‌رسیم؛ متن متنی که مهجور گذاشته‌ایم و می‌بایست غبار از آن بزداییم و به استخراج گنج‌هایش ممت و رزیم. اما براستی «آینده پژوهی» قرآنی یک ادعا است یا یک حقیقت؟ آیا ما می‌توانیم بر اساس قرآن و استفاده از فرمایشات معصومین، مقاطعی از آینده را مطرح کنیم؟ آیا این عملاً میسر است که مقاطع آینده را بگونه‌ای از آیات و روایات استخراج کنیم که مورد پذیرش هر عقل سلیمی قرار گیرد؟

ما در اینجا چند شاهد را برای کشف مقاطع آینده عالم تقدیم می‌کنیم. البته منظور ما از ذکر مقاطع آینده، برشمردن بخشی از مقاطع است و نه همه مقاطع از زمان حال تا انتهای بهشت هفتم. ما سعی می‌کنیم در این مختصر زمان به شناسایی دو سه مقطع، آن هم مقطع زمانی خودمان و مقطع بعدی ممت می‌کنیم، تا راستاها را متوجه شویم و برای اتصال این مقطع زمانی به مقطع بعد، آن گونه که مدنظر خداوند است، برنامه‌ریزی کنیم. در آیه ۲۱۴ سوره بقره آمده است:

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمُ الْبِئْسَاءِ وَ الضَّرَّاءُ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ»

ب) مطالعه مقاطع پیش رو، در تعابیر مشابه روایی**۱- النیران، ینابیع الحیوان**

همچنانکه دیدیم در نگاه قرآنی، مقاطع پیش رو به دو قسمت کلی «باساء و ضراء» و «جنت» تقسیم می‌گردد. با ورود به نگاه عترت مشاهده می‌کنیم که مقطع پیش روی ما با تعابیری مشابه این تعبیر وصف شده است؛ امام عسکری^(ع) فرمودند: «وَسَيَنْفَجِرُ لَهُمُ يَنْابِيعُ الْحَيَّوانِ بَعْدَ لُظَى النَّيِّرَانِ»^۱. یک ینابیع لحيوانی است، یک چشمه‌های حیاتی - چشمه‌های زندگی - است، یک زمانی پیش روی بشریت قرار داده می‌شود. در چه زمانی؟ «بَعْدَ لُظَى النَّيِّرَانِ» بعد از آتش فتنه‌ها، بعد از شعله‌ور شدن فتنه‌های سهمگین. پس ما مقطعی داریم، با عنوان مقطع آتش‌ها و فتنه‌ها و بعد مقطعی داریم با عنوان مقطع چشمه‌های حیات و زندگی بشر.

۲- عُسر و کرب و شدت، یسر و فرج و رخاء

تعابیر دیگری هم می‌توانید پیدا کنید: «...الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْكَرْبِ وَالرَّخَاءَ بَعْدَ الشَّدَّةِ»^۲ سانی پس از سختی، گشایش پس از ناملايمات، آسایش پس از شدت‌ها و فتنه‌ها.

۳- غربال و تمحيص، بهره و تنعم

تعابیر دیگری همچون تمحيص و تمیيز و غربال نیز وجود دارد؛ بنابراین صحنه‌های بسیار سختی رای غربال انسان‌ها و تعمیق ایمان در وجود ایشان قرار داده می‌شود، تا در مقطع بعد از آن، سرافرازان، مشمول نعمات خاصه الهی گردند.

^۱ - بحار الانوار ج ۲۶ ص ۲۶۴.

^۲ - بلد الامین ص ۱۹.

ج) جدول مقایسه‌ای اسامی مقاطع

نگاهی کلی به مقاطع پیش رو	
خصوصیات اولین مقطع پیش رو	خصوصیات دومین مقطع پیش رو
بَأْسَاءٍ وَ ضَرَّاءٍ	جنت
لَطْفِي النَّيْرَانِ	بِنَابِيعِ الْحَيَّوَانِ
عُسْرٍ	يُسْرٍ
كَرْبٍ	فَرْجٍ
شِدَّةٍ	رَخَاءٍ
تمحیص، تمییز، غربال و...	

د) اثبات وجود دو بخش در مقطع فتنه‌ها

بر اساس «آینده پژوهی» قرآنی و روایی، آن چیز که پیش روی بشر قرار دارد - چه در جمهوری اسلامی و چه در جوامع دیگر، ابتداءً فتنه‌های سهمگین است و سپس فضای چشمه‌های حیات و فضای جنت ظهور. اما برآستی ما در کجای این مقطع قرار داریم؟ قطعاً در مقطع فتنه‌ها ورود نکرده‌ایم، اما در کجاییم، و با فتنه‌های وعده داده شده چقدر فاصله داریم؟ آیا می‌توانیم از متون متقن آیات و روایات، مقطع زمانی خودمان را تشخیص دهیم؟

با غور و کنکاش جدی در آیات و روایات در می‌یابیم که دو گونه ماجرای کلی، در بخش فتنه‌ها و آتش‌ها وجود دارد، بنابراین بخش فتنه‌های آخرالزمان را می‌توان در دو مقطع کلی مورد مطالعه قرار داد. ممکن است گفته شود تعداد نشانه‌های آخرالزمان پانصد، هزار و یا به تعبیر فلان استاد دوهزار است! این تعداد نشانه، با این سخن چگونه قابل جمع است؟ به تعبیر حقیر این دوهزار نشانه، خودش یک نگاه کلی است و ده نشانه دیگر، نگاه کلی دیگر. به توضیحات مبسوط‌تر توجه فرمایید.

۱- مقطع انحطاط فرهنگی، و مقطع تحولات در طبیعت

با تفحص در متون متقن روایی در می‌یابیم که برخی از نشانه‌های آخرالزمان، مربوط به تحولات شدید فرهنگی و انحطاط اخلاقی است. مثلاً گفته می‌شود: نماز و زکات شما این‌گونه خواهد شد! حرمت بزرگتر این‌گونه پایمال خواهد شد! و غیره. نشانه‌های دوهزارگانه این‌گونه است، اما دسته دیگری از نشانه‌ها نیز وجود دارد که مربوط به تحولات مطرح در طبیعت است و نه انحطاط اخلاقی و سقوط فرهنگی! مثلاً در مقطعی از فتنه‌ها، خسف و قذف و مسخ به عنوان جریان‌های رایج شمرده می‌شود.

در مجموع در موضوع نشانه‌های آخرالزمان، دو گونه نگاه در فرمایشات معصومین وجود دارد:

اولاً: نشانه‌هایی در انحطاط فرهنگی بشر، خصوصاً در جامعه اسلامی

ثانیاً: تحولات در جغرافیا و طبیعت عالم.

اگر شما در آینده پژوهی و برنامه‌ریزی فرهنگی به نوع مقاطع و حوادث توجه نداشته باشید و در برنامه‌های فرهنگی خود لحاظ نکنید، چگونه می‌توانید مدعی برنامه‌ریزی استراتژیک باشید؟ عرض بنده سخن گفتن بی‌خاصیت در مورد خسف و ... نیست، بلکه اطلاع از حقایق پیش‌رو و تنظیم اصول برنامه‌ها در راستاهای مدنظر است.

۲- روایت جابر بن عبدالله انصاری در حجه الوداع از پیامبر اکرم (ص)

ممکن است سؤال کنید آیا متنی داریم که این دو گونه نشانه را یک‌جا در خود جمع کرده باشد، بین این دو دسته تفکیک قائل شده باشد و تقدم و تأخری زمانی آن‌ها را نیز ارائه کرده باشد؟ پاسخ مثبت است، به این متن توجه کنید:

«رَوَى جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ حَجَّجْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَجَّةَ الْوَدَاعِ فَلَمَّا قَضَى النَّبِيُّ صَ مَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَجِّ أَتَى مُودَعَةَ الْكَعْبَةِ فَلَزِمَ حَلْقَةَ الْبَابِ وَ نَادَى بِرَفْعِ صَوْتِهِ أَيُّهَا النَّاسُ فَاجْتَمَعَ أَهْلُ الْمَسْجِدِ وَ أَهْلُ السُّوقِ فَقَالَ اسْمَعُوا إِنِّي قَائِلٌ مَا هُوَ بَعْدِي كَاتِنٌ فَلْيَبْلُغْ شَاهِدِكُمْ غَائِبِكُمْ ثُمَّ بَكَى رَسُولُ

اللَّهِ صَ حَتَّىٰ بَكَىٰ لِبُكَائِهِ النَّاسُ أَجْمَعِينَ فَلَمَّا سَكَتَ مِنْ بُكَائِهِ قَالَ اَعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ أَنْ مَتَلَكُمُ فِي هَذَا الْيَوْمِ كَمَثَلِ وَرَقٍ لَمْ يَشُوكْ فِيهِ إِلَىٰ أَرْبَعِينَ وَ مِائَةِ سَنَةٍ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ شَوْكٌ وَ وَرَقٌ إِلَىٰ مِائَتِي سَنَةٍ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ شَوْكٌ لَمْ يَشُوكْ فِيهِ حَتَّىٰ لَا يُرَىٰ فِيهِ إِلَّا سُلْطَانٌ جَائِرٌ أَوْ غَنِيٌّ بَخِيلٌ أَوْ عَالِمٌ مُرَاغِبٌ فِي الْمَالِ أَوْ فَاقِرٌ كَذَّابٌ أَوْ شَيْخٌ فَاجِرٌ أَوْ صَبِيٌّ وَقِيحٌ أَوْ امْرَأَةٌ رَعْنَاءٌ ثُمَّ بَكَىٰ رَسُولُ اللَّهِ ص

فَقَامَ إِلَيْهِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيُّ وَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنَا مَتَىٰ يَكُونُ ذَلِكَ فَقَالَ ص يَا سَلْمَانَ إِذَا قَلَّتْ عُلَمَائُكُمْ وَ ذَهَبَتْ قُرَآؤُكُمْ وَ قَطَعْتُمْ زَكَاتِكُمْ وَ أَظْهَرْتُمْ مُنْكَرَاتِكُمْ وَ عَلَّتْ أَصْوَاتِكُمْ فِي مَسَاجِدِكُمْ وَ جَعَلْتُمْ الدُّنْيَا فَوْقَ رُءُوسِكُمْ وَ الْعِلْمَ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ وَ الْكُذِبَ حَدِيثِكُمْ وَ الْغِيْبَةَ فَكَيْهَتِكُمْ وَ الْحَرَامَ غَنِيْمَتِكُمْ وَ لَا يَرْحَمُ كَبِيرُكُمْ صَغِيرُكُمْ وَ لَا يُوقِرُ صَغِيرُكُمْ كَبِيرُكُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَنْزِلُ اللَّعْنَةُ عَلَيْكُمْ وَ يُجْعَلُ بِأَسْكُمْ بَيْنَكُمْ وَ بَقِي الدِّينِ بَيْنَكُمْ لَفْظًا بِالسِّنِّيَّتِكُمْ

فَإِذَا أُوْتِيْتُمْ هَذِهِ الْخِصَالِ تَوَقَّعُوا الرِّيحَ الْحَمْرَاءَ أَوْ مَسْخًا أَوْ قَذْفًا بِالْحِجَارَةِ وَ تَصَدِّقُ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَ يَذِيقَ بَعْضَكُمْ بِأَسِّ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ

فَقَامَ إِلَيْهِ جَمَاعَةٌ مِنَ الصَّحَابَةِ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنَا مَتَىٰ يَكُونُ ذَلِكَ فَقَالَ ص عِنْدَ تَأْخِيرِ الصَّلَوَاتِ وَ اتِّبَاعِ الشَّهَوَاتِ وَ شُرْبِ الْقَهَوَاتِ وَ شَتْمِ الْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ حَتَّىٰ تَرُونَ الْحَرَامَ مَغْنَمًا وَ الزَّكَاةَ مَغْرَمًا وَ أَطَاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَ جَفَا جَارَهُ وَ قَطَعَ رَحِمَهُ وَ ذَهَبَ رَحْمَةُ الْكَبِيرِ وَ قَلَّ حَيَاءُ الْأَصَاغِرِ وَ شَيَّدُوا الْبُنْيَانَ وَ ظَلَمُوا الْعَبِيدَ وَ الْإِمَاءَ وَ شَهَدُوا بِالْهَوَىٰ وَ حَكَمُوا بِالْجَوْرِ وَ يَسُبُّ الرَّجُلُ أَبَاهُ وَ يَخْسُدُ الرَّجُلُ أَخَاهُ وَ يِعَامِلُ الشُّرَكَاءَ بِالْخِيَانَةِ وَ قَلَّ الْوَقَاءُ وَ شَاعَ الزُّنَا وَ تَزَيَّنَ الرَّجَالُ بِثِيَابِ النِّسَاءِ وَ سَلِبَ عَنْهُنَّ قِنَاعُ الْحَيَاءِ وَ دَبَّ الْكِبْرُ فِي الْقُلُوبِ كَدَيْبِ السَّمِّ فِي الْأَبْدَانِ وَ قَلَّ الْمَعْرُوفُ وَ ظَهَرَتِ الْجَرَائِمُ وَ هَوَّتِ الْعِظَائِمُ وَ طَلَبُوا الْمَدْحَ بِالْمَالِ وَ أَنْفَقُوا الْمَالَ لِلْغِنَاءِ وَ شَغِلُوا بِالدُّنْيَا عَنِ الْآخِرَةِ وَ قَلَّ الْوَرَعُ وَ كَثُرَ الطَّمَعُ وَ الْهَرَجُ وَ الْمَرْجُ وَ أَصْبَحَ الْمُؤْمِنُ ذَلِيلًا وَ الْمُنَافِقُ عَزِيزًا مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ بِالْآذَانِ وَ قُلُوبُهُمْ خَالِيَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ وَ اسْتَخَفُّوا بِالْقُرْآنِ وَ بَلَغَ الْمُؤْمِنُ عَنْهُمْ كُلُّ هَوَانٍ

فَعِنْدَ ذَلِكَ تَرَىٰ وُجُوهُهُمْ وَجُوهَ الْآدَمِيِّينَ وَ قُلُوبَهُمْ قُلُوبَ الشَّيَاطِينِ كَلَامُهُمْ أَخْلَىٰ مِنَ الْعَسَلِ وَ قُلُوبُهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْخَنْظَلِ فَهُمْ ذِيَابٌ وَ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ أَفَبِي تَغْتَرُونَ أَمْ عَلَيَّ تَجْتَرُونَ أ

فَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَوَعَيْتِي وَجَلَّالِي لَوْ لَأَمَّنُ يَعْبُدُنِي مُخْلِصًا مَا امْتَهَلْتُ مَنْ يُعْصِينِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ لَوْ لَأَوْرَعُ الْوَرَعِينَ مِنْ عِبَادِي لَمَا أَنْزَلْتُ مِنَ السَّمَاءِ قَطْرَةً وَلَا أَنْبَتُ وَرَقَةً خَضْرَاءَ فَوَا عَجَبًا لِقَوْمٍ آلِهَتُهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَ طَالَتْ أَمْوَالُهُمْ وَ قَصُرَتْ آجَالُهُمْ وَ هُمْ يَطْمَعُونَ فِي مُجَاوَرَةِ مَوْلَاهُمْ وَ لَا يَصِلُونَ إِلَى ذَلِكَ إِلَّا بِالْعَمَلِ وَ لَا يَتِمُّ الْعَمَلُ إِلَّا بِالْعَقْلِ».

«در کتاب جامع الاخبار از جابر بن عبد الله انصاری روایت میکند که گفت: در سال حجة الوداع با پیغمبر صلی الله علیه و آله حج رفتیم، پیغمبر بعد از انجام اعمال حج آمد تا با خانه خدا تودیع کند. حلقه در را گرفت و با صدای رسا فرمود: ای مردم! با این صدا تمام مردمی که در مسجد الحرام و بازار بودند، جمع شدند. آنگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم آنچه را که بعد از من روی میدهد و هم اکنون بشما میگویم از من بشنوید! و حاضران شما بغائبین خود برسانند. سپس پیغمبر گریست بطوری که از گریه حضرت همه مردم گریستند، چون حضرت از گریستن آرام گرفت، فرمود: ای مردم! خدا شما را بیامرزد! بدانید که شما از این روز تا صد و چهل سال بعد مانند برگی هستید که خار نداشته باشد، آنگاه تا دوپست سال برگ و خار خواهد داشت و بعد از آن خار بدون برگ است بطوری که در آن زمان جز سلطان ظالم یا ثروتمند بخیل یا عالم دنیاپرست یا فقیر دروغگو یا پیر - مرد زناکار یا بچه بی آبرو و یا زن احمق دیده نمیشود! آنگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله گریست.

سلمان فارسی برخاست و عرض کرد: یا رسول الله بفرمائید بدانیم آنچه فرمودید کی واقع می شود؟ فرمود: ای سلمان در زمانی که علمای شما کم شوند و قاریان قرآن شما از میان بروند، و زکاة خود را ندهند و کارهای زشت خود را آشکار سازند و صدای شما در مساجد بلند شود و امور دنیا را روی سر بگذارید، و دانش را زیر پا بنهید، سخنان شما دروغ، و شیرینی گفتارتان غیبت، و آنچه بدست می آورید حرام باشد! نه بزرگان شما به کوچک تر رحم کنند و نه کوچکتران احترام بزرگان را نگاه بدارند. در آن اوقات آثار غضب خدا بر شما فرود می آید، و سختی شما را بهمان وضع در میان شما قرار میدهد، و در میان شما از دین جز لفظ آن که بزبان می آورید، باقی نمی ماند

هنگامی که این خصلتها را پیدا کردید منتظر باد سرخ یا مسخ شدن یا سنگ باران باشید! آنچه این را تصدیق می کند در کتاب خدا هست و آن این آیه است: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلٰی أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ سِيعًا وَ يَدْرِيقَ بَعْضَكُمْ بِأَسْبَعْضٍ؛ أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ يَعْنِي أَيِ پیغمبر بگو: خداوند قادر است که عذابی از بالای سر یا از زیر پاهاتان بر شما برانگیزد یا اینکه لباس تفرق بشما بپوشاند و مزه سختی بعضی از شما را ببعضی دیگر بچشاند بین چگونه ما این علامات را میگردانیم، تا اینکه آنها بفهمند!»

در این وقت جمعی از اصحاب برخاستند، و عرض کردند: یا رسول الله! بفرمائید بدانیم اینها که فرمودید کی پدید می‌آید؟ فرمود: هنگامی که نمازها را از اوقات خود بتأخیر بیاورند، و شهوترانی و شرابخواری پیشه گیرند، و پیدران و مادران ناسزا بگویند، بطوری که مال حرام را غنیمت و پرداخت زکاة را زیان ببینند، و مرد از زن خود اطاعت کند و بهمسایه‌اش آزار رساند و پیوند خویشی خود را قطع کند. رحم بزرگان از میان برود، و حیای کوچکتران کم شود، و ساختمانها را محکم سازند و بنوکر و کلفت ستم کنند، و از روی هوای نفس شهادت دهند، و بظلم حکم کنند و مرد پدرش را لعنت نماید، و برادرش حسد ورزد و شرکاء در معاملات خود خیانت کنند و وفا کم شود و زنا شیوع یابد و مردان خود را با لباس زنان بیارایند و روسری حیا از سر زنها برداشته شود! و خودفروشی در دلها راه یابد، مانند زهر که در بدنها رخنه میکند. کارهای خوب کم شود، و گناهان آشکار گردد، و واجبات الهی از نظر بیافتد و با گرفتن مال، صاحبان مال را ستایش کنند، و ثروت را در راه خوانندگی صرف نمایند، و سرگرم دنیا گردند، و از توجه باخترت بازمانند، تقوی کم و طمع زیاد شود، و هرج و مرج پدید آید، مؤمنین خوار و اهل نفاق عزیز گردند، مساجد آنها با اذان گفتن آباد و دلهای آنها از ایمان خالی باشد، قرآن را سبک شمارند، و شخص با ایمان هر گونه خواری از آنها بهیند.

در آن اوقات می‌بینی که صورت آنها صورت آدمی ولی دلهایشان دلهای شیاطین است. سخنان آنها از عمل شیرین تر و دلهایشان از حنظل تلخ تر است، آنها گرگانی هستند که لباس آدمی پوشیده‌اند، در آن موقع روزی نیست که خداوند بآنها نفرماید: آیا از رحمت من مغرور شده‌اید؟ یا بر من جرأت پیدا کرده‌اید؟ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ عَلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ یعنی آیا گمان کردید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و بسوی ما بازگشت نمیکنید؟ بعزت و جلال خودم سوگند اگر بخاطر آنها که از روی اخلاص مرا عبادت میکنند نبود، باندازه یک چشم بهمزدن بکسانی که نافرمانی من میکنند مهلت نمیدادم. اگر بواسطه تقوای پرهیزکاران بندگانه نبود، یک قطره باران از آسمان فرود نمی‌فرستادم، و یک برگ سبز از زمین نمی‌رویاندیم، شگفتا! از مردمی که اموالشان را خدا میدانند. و آرزوهایشان طولانی و عمرشان کوتاه است! در عین حال چشم دارند که در جوار رحمت حق منزل کنند، در صورتی که جز با عمل بآن نمیرسند، و عمل هم بدون عقل کامل نمیشود!

همچنانکه می‌بینید راوی، جابر بن عبدالله انصاری است. ماجرا مربوط به حجه الوداع است، جایی که پیامبر اکرم، هر حرفی را که تزرده است، دیگر باید مطرح فرماید. سخن آن قدر مهم است که پیامبر فرمودند: شاهدان به غائبان، این پیام را برسانند و بعد از آن شروع به گریستن کردند، آن قدر گریه کردند که مردم هم گریستند. بعد ماجرا ادامه پیدا می‌کند و حضرت نشانه‌هایی را از آخرالزمان مطرح می‌کنند. سلمان فارسی می‌ایستد و سؤال می‌کند: یا رسول الله! به ما بگویید این اتفاقات چه زمانی واقع خواهد شد؟ پیامبر نشانه‌هایی را مطرح می‌فرمایند. سوال می‌شود که یا رسول الله بعد از این اتفاقات که

انحطاط فرهنگی است چه واقع خواهد شد؟ پاسخ آن است که: «فَإِذَا أُوْتِيتُمْ هَذِهِ الْخِصَالِ تَوَقَّعُوا الرِّيحَ الْحَمْرَاءَ أَوْ مَسْخًا أَوْ قَذْفًا بِالْحِجَارَةِ».

بنا بر آنچه در روایت مزبور آمده است، در آخرالزمان، ابتدا تحولات فرهنگی و انحطاط فرهنگی واقع خواهد شد و سپس تغییر در جغرافیای طبیعی. در روایت مزبور گفته می‌شود که جامعه مسلمین به نقطه‌ای می‌رسد که نقطه سقوط کامل اخلاقی و ارزشی است، اما به لحاظ دانش بسیار پیشرو خواهد بود: «وَالْعِلْمُ تَحْتَ أقدامِكُمْ»؛ و زمانی که چنین صفاتی در جامعه مسلمین شایع شد: «فَإِذَا أُوْتِيتُمْ هَذِهِ الْخِصَالِ» باید منتظر تحولات مطرح در جغرافیای طبیعی بود.

ه) اتمام بخش اول فتنه‌ها، و آستانه بخش دوم

۱- سخن محققان در تحقق دو هزار نشانه عمومی آخرالزمان

در ادامه با استفاده از کلام محققان و اندیشمندان، به بررسی تحلیلی روایت مزبور می‌پردازیم؛ امروزه بسیاری از محققان بر این باورند که تمام نشانه‌های عمومی آخرالزمان محقق شده است؛ از جمله نگاه بزرگواری مثل جناب حجه الاسلام و المسلمین مهدی پور - محقق و پژوهشگر مهدویت، که بالغ بر سی سال در حوزه مهدویت پژوهی کار کرده است - این است که دو هزار نشانه عمومی، واقع شده است^۱، بزرگواری مثل حضرت آیت الله ناصر نیز با عمری پژوهش علمی و عملی در بحث مهدویت معتقد است: تمام نشانه‌های عمومی واقع شده است^۲. پس چه چیز باقی مانده است؟ پاسخ را در روایت پیامبر عظیم الشان اسلام پی می‌گیریم که «فَإِذَا أُوْتِيتُمْ هَذِهِ الْخِصَالِ تَوَقَّعُوا...». پس از انحطاطات اخلاقی، منتظر چه چیز باشیم؟ «...تَوَقَّعُوا الرِّيحَ الْحَمْرَاءَ أَوْ مَسْخًا أَوْ قَذْفًا بِالْحِجَارَةِ...» باد سرخ، مسخ، و قذف را، تحولات در طبیعت را منتظر باشید.

۱ - رک کتاب «لزوم تفکیک علائم حتمی ظهور از علائم غیر حتمی»، مهدی پور.

۲ - رک کتاب «آب حیات» مجید هادی زاده.

۲- پاسخ عنقریب طبیعت به گناه موحدان

بر اساس روایت مزبور، قراری با هم می‌گذاریم و چنین می‌گوییم که انحطاطات فرهنگی، مقطع اول آخرالزمان است، و تحولات در جغرافیای طبیعت، مقطع دوم آخرالزمان. بر اساس سخن محققین، کفه مقطع اول آخرالزمان تا به امروز پر شده است، ظرف مقطع اول آخرالزمان در حال سرریز شدن است، حال زمان وقوع چه چیزی است؟ تحولات در طبیعت. عزیزان! من و شما در آستانه مقطع دوم آخرالزمان قرار گرفته ایم.

دیگر طبیعت باید به گناه انسان پاسخ دهد و اختصاصاً به گناه مسلمانان! «فَإِذَا أوتِيتُمْ»، فرمود زمانی که جامعه بشری این رفتار را کردند، فرمود: «فَإِذَا أوتِيتُمْ هَذِهِ الْخِصَالِ». برنامه‌ای که برای بشریت ریخته می‌شود، به تبع رفتار خواص است، به تبع فعل مسلمانان است. ابتدا خداوند برای موحدان، اعم از مسلمانان، مسیحیان، و یهودیان برنامه می‌ریزد تا برای کفار؛ خداوند به حرمت خواص، زمین را حفظ می‌کند و ارزاق را جاری می‌کند، نه بخاطر کفار! آنها به خاطر خواص، روزی می‌خورند. این موضوع، جزء قواعد نظام الهی است.

۳- نیاز طراحان استراتژیست به مبحث «در آستانه مقطع دوم آخرالزمان»

اگر این مقطع‌بندی را بپذیریم، ما در انتهای مقطع اول آخرالزمان و در آستانه مقطع دوم آخرالزمان قرار داریم! یعنی ما در آستانه تحولات در طبیعت و در آستانه خطر هستیم! اگر طراحان استراتژیست این دید را نداشته باشند، چه برنامه فرهنگی می‌خواهند بریزند؟ بدون اطلاع از این نگاه، طرح فرهنگی حکمت به چه کار می‌آید؟ اگر منظر فلسفی، کلامی و یا هر منظر دیگری نتواند مثبت و تایید کننده این نگاه باشد، چگونه قادر به برنامه ریزی صحیح فرهنگی خواهد بود؟ نظام الهی، جوامع را به این سمت سوق می‌دهد: انتهای مقطع اول آخرالزمان و آستانه مقطع دوم! ما در آستانه خطریم و البته خواب!

۴- پیش بینی افزایش و یا کاهش التهابات در جوامع

بر این اساس حتی می توان ارزیابی کرد که آیا التهابات جامعه رو به کاهش است و یا ماجرا همچون حمل حامله است و دردش تا زمان وضع حمل ادامه پیدا می کند؟! سکوت موقت دردها، نه دلیلی بر اتمام درد است و نه دلیلی بر آرام تر بودن درد در زمان بروز بعدی! شما باید ابتدا یک نگاه متقن از متون دینی داشته باشید، بعد برای استان یا کشور برنامه ریزی کنید.

و) جدولی کلی از «مقاطع آینده»

همچنانکه گفته شد، مقاطع پیش روی ما در متون دینی اینگونه توصیف شده است: مقطع «فتنه های آخر الزمانی» و مقطع نعمات و «جنت». مقطع «آخر الزمان» نیز بر اساس فرمایشات معصومین - چه در نگاهی که دو گونه روایات آخر الزمانی در آن طرح است و چه در نگاه روایاتی که این دو مجموعه را پیوند می زند - به دو مقطع تقسیم می شود. و جالب آن که بر اساس نگاه عمده محققین، ما در آستانه مقطع دوم آخر الزمان قرار داریم.

نگاهی کلی به مقاطع پیش رو		
اولین مقطع پیش رو: آخر الزمان		دومین مقطع پیش رو: جنت
بخش اول فتنه ها	بخش دوم فتنه ها	بهشت ظهور
انحطاط فرهنگی	تحولات در طبیعت	

فصل سوم؛

«توصیف بخشی از مقطع دوم آخرالزمان

در قرآن و روایات»

توصیفی قرآنی داشته باشیم از مقطع دوم آخرالزمان که در آستانه آن قرار گرفته‌ایم. خداوند متعال در آیه ۶۵ سوره انعام می‌فرماید:

«قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بِأَسْبَاطِكُمْ أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ».

«ای پیامبر بگو: او قادر است که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد (و دچار تفرقه سازد) و عذاب بعضی از شما را به بعضی (دیگر) بپوشاند. بنگر، چگونه آیات (خود) را گوناگون واقع می‌کنیم باشد که آنان بفهمند (و به جستجوی راهکار بر آیند)».

الف) تحقق آیه ۶۵ سوره انعام در آینده، بر اساس ادله شش‌گانه علامه طباطبایی

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان جلد هفتم با ذکر شش دلیل، تحقق این آیه را مربوط به مقاطع پیش روی بشر دانسته است:

۱) روایت دیگری هم به طرق شیعه و هم به طرق اهل سنت موجود است که همه نشانگر آن است که عذاب‌های مذکور در آیه (عذاب فوق و تحت، یعنی صیحه آسمانی و فرو رفتن در زمین) همه در میان این امت واقع خواهد شد

۲) ... دو آیه بعدش یعنی وَ كَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ وَ هُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ، لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ نَعْلَمُونَ صریحاً امت را وعده می‌دهد به اینکه این عذاب‌ها در آنان واقع خواهد شد.

۳) علاوه بر اینکه آیات مورد بحث، آیات سوره انعام است که گفتیم یک دفعه نازل شده. و رسول خدا مامور شد آن را به امت برساند، و اگر نسبت به بعضی از آن عذاب‌ها بدا حاصل گردیده و یا به دعای آن حضرت، از نزول آن صرف‌نظر شده بود، جا داشت که خود قرآن - که کتابی است که لا یأتیه الباطل من ین یدیه ولا

مِنْ خَلْفِهِ - از رفع آن خبر داده باشد، و حال آنکه چنین خبری در قرآن نیست، بلکه همان طوری که قبلاً اشاره کردیم، آیات دیگری نیز مانند آیات سوره یونس و روم و ... این چند آیه را تأیید می‌کند.

۴) از همه این‌ها گذشته، خود روایات مزبور، با روایات بسیار دیگری که از طرق شیعه و سنی نقل شده معارض می‌باشند و همه دلالت دارند بر اینکه همه عذاب‌های مذکور در آیه، در بین امت واقع خواهد شد.

۵) بعد از همه این حرف‌ها، قرآن کریم با آیات خود، واقع امر را بیان کرده و آن این است که: این دین تا روز قیامت باقی خواهد ماند و این امت به کلی از بین نخواهد رفت، و لیکن چنان هم نیست که دچار هیچ بلائی نشود، بلکه هر بلا و مصیبتی که بر سر امت‌های گذشته آمده، بدون چون و چرا، مو به مو بر سر این امت نیز خواهد آمد، روایات قطعی الصدور بسیاری هم که از رسول خدا (ص) و ائمه اهل بیت (ع) در دست هست، همه گویای این مطلب می‌باشند.

۶) در الدر المنثور از کتاب الناسخ نحاس از ابن عباس نقل می‌کند که در ذیل جمله قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ نقل کرده که گفت: این آیه را آیه سیف که عبارت است از فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ نسخ کرده است.

مؤلف: سابقاً این معنا را بیان کردیم که سیاق جمله قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ سیاق مقدمه و زمینه‌چینی برای لِكُلِّ نَبَاٍ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ را دارد، و این معنایی نیست که آیه فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ .. بتواند آن را نسخ کند.

ب) تبیین روایی آیه ۶۵ سوره انعام، در هفت روایت

روایات هفت گانه اهل سنت و شیعیان نیز به تبیین فضای آخرالزمانی این آیه می‌پردازد:

روایت اول:

عن جابر بن عبد الله قال: لما نزلت هذه الآية قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَعُوذُ بِوَجْهِكَ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكَ قَالَ: أَعُوذُ بِوَجْهِكَ أَوْ يَلْبِسُكُمْ شَيْعًا وَ يَذِيقُ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ قَالَ: هَذَا أَهْرُونَ أَوْ أَيْسَرُ^۱

وقتی آیه قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ نازل شد رسول خدا (ص) عرض کرد: اَعُوذُ بِوَجْهِكَ - پروردگارا به تو پناهنده می‌شوم و وقتی جمله أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكَ را شنید باز عرض کرد: اَعُوذُ بِوَجْهِكَ - پناه می‌برم به تو و چون جمله أَوْ يَلْبِسُكُمْ شَيْعًا وَ يَذِيقُ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ را شنید فرمود: این آسان‌تر و سبک‌تر است.

۱- الدر المنثور ج ۳ ص ۱۷- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۱۴۹.

روایت دوم:

عن جابر قال لما نزلت قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شَيْعًا قَالَ هَذَا أَيْسَرُ وَ لَوْ اسْتَعَاذَهُ لَاعَادَهُ.^۱
 وقتی آیه قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ نازل شد رسول خدا (ص) عرض کرد: از آن به خدا پناه می‌برم. و در نزول او یلبسکم شیعاً فرمودند این آسان تر است و اگر از خدا می‌خواستیم آن را بر می‌گرداند.

روایت سوم:

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم في قوله أَوْ يَلْبِسَكُمْ شَيْعًا قَالَ أَرْبَعُ فِتْنٍ تَأْتِي فِتْنَةَ الْأُولَىٰ يَسْتَحِلُّ فِيهَا الدَّمَاءَ وَ الثَّانِيَةَ يَسْتَحِلُّ فِيهَا الدَّمَاءَ وَ الْأَمْوَالَ وَ الثَّلَاثَةَ يَسْتَحِلُّ فِيهَا الدَّمَاءَ وَ الْأَمْوَالَ وَ الْفُرُوجَ وَ الرَّابِعَةَ عَمِيَاءَ مَظْلَمَةً تَمُورُ مَوْرَ الْبَحْرِ تَنْتَشِرُ حَتَّى لَا يَبْقَىٰ بَيْتٌ مِنَ الْعَرَبِ إِلَّا دَخَلْتَهُ.^۲

رسول خدا (ص) در مورد او یلبسکم شیعاً فرمود: بعد از من چهار فتنه برای شما پیدا می‌شود، در فتنه اول: (ریختن) خونها حلال خواهد شد در فتنه دوم: (ریختن) خونها و (غصب) اموال حلال می‌شود، در فتنه سوم: (ریختن) خونها و (غصب) اموال و ناموس مردم حلال خواهد شد فتنه چهارم: فتنه‌ای است شدید و تاریک که حرکت آن نظیر حرکت کشتی است در دریا، بطوری که احدی از مردم از شر آن ملجأ و پناهی نخواهند داشت.

روایت چهارم:

عن النبي ص: في هذه الآية: قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ - أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ فَقَالَ النَّبِيُّ ص: أَمَا إِنَّهَا كَائِنَةٌ وَ لَمْ يَأْتِ تَأْوِيلُهَا بَعْدَ.^۳

رسول خدا (ص) در ذیل آیه قُلْ هُوَ الْقَادِرُ ... فرمود: این عذاب واقع خواهد شد، و لیکن هنوز تاویلش که مراد از آن چیست، به ما نرسیده است.

روایت پنجم:

در قسمت قبلی به حسب فرمایش پیامبر اکرم (ص) عرض کردیم که در مقطع اول آخرالزمان، انحطاط فرهنگی در جامعه مسلمین شدت خواهد گرفت و در مقطع دوم آخرالزمان، تغییراتی در جغرافیای طبیعت واقع می‌گردد؛ بخشی از این تغییرات عبارت اند از: «الرَّيْحَ الْخَمْرَاءَ أَوْ مَسْخًا أَوْ قَدْفًا بِالْحِجَارَةِ».

۱- الدر المنتور فی تفسیر المأثور، ج ۳، ص: ۱۷ - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۱۴۹.

۲- الدر المنتور فی تفسیر المأثور، ج ۳، ص: ۱۹.

۳- الدر المنتور ج ۳ ص ۱۷ - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۱۴۹.

سپس حضرت با استفاده از موید قرآنی چنین می‌فرماید که: «وَ تَصْدِيقُ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلٰی أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَ يُدْرِيقَ بَعْضَكُمْ بِأَسْبَغٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفْنَا آيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ».

روایت ششم:

وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلٰی أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ قَالَ هُوَ الدُّخَانُ وَ الصَّيْحَةُ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ وَ هُوَ الْخَسْفُ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَ هُوَ اخْتِلَافٌ فِي الدِّينِ وَ طَعْنٌ بَعْضِكُمْ عَلٰی بَعْضٍ وَ يُدْرِيقُ بَعْضَكُمْ بِأَسْبَغٍ وَ هُوَ أَنْ يَقْتُلَ بَعْضَكُمْ بَعْضًا وَ كُلُّ هَذَا فِي أَهْلِ الْقِبْلَةِ يَقُولُ اللَّهُ أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفْنَا آيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ.^۱

قمی در تفسیر خود می‌گوید در روایت ابی الجارود از ابی جعفر (ع) آمده است که آن حضرت در تفسیر هُوَ الْقَادِرُ عَلٰی أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ فرمود مقصود از عذاب از بالا دود و صیحه آسمانی است، و مراد از أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ خسف و فرو بردن زمین است و مراد از أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا اختلاف در دین و طعن مردم به یکدیگر می‌باشد، و مراد از يُدْرِيقُ بَعْضَكُمْ بِأَسْبَغٍ این است که مردم به جان یکدیگر افتاده یکدیگر را بکشند، و همه اینها عذابهایی است که بر اهل قبله واقع می‌شود، و خداوند به رسول گرامیش می‌فرماید: أَنْظُرْ كَيْفَ ... - بین چطور آیات را می‌گردانیم تا شاید بفهمند.

روایت هفتم:

وَ قَالَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا قِيلَ: عَنِي بِهِ يَضْرِبُ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ - بِمَا يَلْقِيهِ بَيْنَكُمْ مِنَ الْعَدَاوَةِ وَ الْعَصِيَّةِ - وَ هُوَ الْمَرُورِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع.^۲

در ذیل جمله أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا ذکر کرده که بعضی از مفسرین گفته‌اند مقصود از این جمله این است که خداوند با القاء دشمنی و تعصب در بین آنان، خودشان را به جان هم می‌اندازد و این معنا از امام ابی عبد الله (ع) روایت شده است.

ج) توجه به دو نوع رفتار، در قبال چهار بخش از فتنه‌ها

همچنانکه در آیه مزبور مشخص است، از پیامبر و از مردم خواسته می‌شود تا رفتارهایی با عنوان «نظاره» و «تفقه» را انجام دهند، رفتاری توسط شخص پیامبر با عنوان «نظاره» و رفتاری از مردم با عنوان

۱ - بحار الأنوار ج ۹ ص ۲۰۵ باب ۱ - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۱۴۹.

۲ - مجمع البیان ج ۴ ص ۴۸۷ - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۱۴۹.

تفقه»^۱. خواهید گفت رفتار در قبال چه موضوعی؟ پاسخ آن که در قبال تصریف آیات چهارگانه خرالزمان:

۱- «أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ».

۲- «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ».

۳- «أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا».

۴- «وَ يُدِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ».

با تامل در آیه و روایات مزبور در می یابیم که چهار بخش از مقطع دوم آخرالزمان در این آیه مورد باره و تحلیل قرار گرفته است، و بالتبع دو نوع رفتار نیز از افراد، خواسته شده است. برآستی تا این موضوعات به عنوان موضوعات مقاطع پیش رو برای ما مطرح نباشد، چگونه می توانیم به ارائه برنامه هنگی، آن هم در راستای «آینده پژوهی» پردازیم؟ هر برنامه استراتژیک در بحث «آینده پژوهی»، این مقطع زمانی بدون توجه به قواعد مزبور محکوم به شکست است. استراتژیست ترین فرد در عالم، امبرگرمی اسلام است. چرا با نگاه او پیش نرویم؟! و چرا به مطالب آن حضرت اعتنا نکنیم؟! با ارائه نشی از پازل مقطع دوم آخرالزمان، بر حسب آیه ۶۵ انعام و روایات ذیل آن، این بحث را به پایان بریم به امید آن که این روش، راهگشای مباحث «آینده پژوهی» باشد و مورد توجه جدی تر قرار برد، ان شاء الله.

۱- نظاره در اینجا به معنای بررسی و تامل دقیق در چگونگی تحقق ماجرای آخرالزمان است، و تفقه به معنای راهکاریابی برای برآز حوادث آخرالزمان.

پازل بخشی از مقاطع آخرالزمان (بر اساس انعام ۶۵ و روایات ذیل آن)						
بخش دوم آخرالزمان: تحولات در طبیعت و ...				بخش اول: انحطاط ارزشی و فرهنگی	مقاطع	
و یذیق بعضکم باس بعض	او یلبسکم شیعا			عذابا من فوقکم	عناوین کلّی	
او من تحت ارجلکم	- قذف [ر.ک. ۵] - اِخْتِلَافٌ فِي الدِّينِ وَ طَعْنٌ بَعْضِكُمْ عَلٰی بَعْضٍ [ر.ک. ۶] عنی به یضرب بعضکم ببعض - بما یلقیه بینکم من العداوة و العصبیة [ر.ک. ۷]				مصادیق	
ان یقتل بعضکم بعضاً [۶]	عمیاء مظلّمه تمور مور البحر تتشر حتی لا یقی بیت من العرب الا دخلته [۳]	یستحل فیها الدماء و الأموال و الفروج [۳]	یستحل فیها الدماء و الأموال [۳]	- مسخ [۵] - خسف [۶]	- ریح حمراء [۵] - دخان و صیحه [۶]	رواج فساد، کنار رفتن حق و روآمدن باطل، افول دین و ارزش‌ها در میان مسلمین [۵]

فصل چهارم؛

به جستجوی راهکار قرآنی در بزرگترین بحران
ایجاد شده در تاریخ بشر

الف) ضرورت جستجوی راهکارهای الهی برای بحران‌ها

مدیر عالم، و حکمت او جهت به مخاطره نیفتادن بشر

همه آنچه که تا این قسمت مطرح شد، به نوعی مقدمات بحث ما بود؛ اساساً برای ارائه «رفتار تراژیک در آخرالزمان»، به این مقدمات و فضاسازی دامن زدیم و اینک در ادامه نوشتار، به جستجوی راهکار خواهیم بود. برآستی اگر مقطع پیش روی ما، مقطع وقوع خطرات است و ما بدون برآز آن مقطع، ورود در نعمات الهی و سرزمین زیبای ظهور را نخواهیم داشت، می‌بایست به چه رفتارهایی مزین شویم؟! و با چه برنامه‌ای حرکت کنیم؟ مگر نه آنکه بزرگترین مدیر عالم، اوند است؟ مگر نه آنکه حکمت الهی اقتضا می‌کند که بشریت در صحنه‌های پیش رو به مخاطره نند؟ مگر نه آن که خداوند قادر است که فتنه‌هایی همچون «أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ» را پیش بگذارد، و آن بهشت زیبا را برپا کند؟ آیا قادر نیست که پیش از تحقق فتنه‌ها به ارائه راهکار دازد، در خلال فتنه‌ها بشریت را به سلامت عبور دهد و در سرزمین سلامت مستقر سازد؟! آیا در این متقن از آن راهکار سخن به میان نیامده است؟ کدام متون ارائه دهنده راهکار عبور از بحران آخرالزمان است؟

ب) بزرگترین بحران در بشریت، در زمان خلقت آدم^(ع)**۱- تکبر ابلیس و عدم سجده بر آدم^(ع)**

بنده تأکید می‌کنم به جای این که خودمان به ارائه راهکار پردازیم، به سراغ مطالعه بحران‌های واقع شده در بشریت باشیم تا با عبرت از آن بحران‌ها به این مهم دست یابیم. حال سوال این است که تا به امروز، بزرگترین بحران ایجاد شده در بشریت چه بحرانی بوده است؟ مشخص است، «عدم سجده بر آدم». بزرگترین بحران در بشریت، در ماجرای خلقت انسان واقع شده است و در مواجهه ابلیس با خداوند.

۲- جایگاه ابلیس پیش از تکبر: از بهترین ملائک

خداوند بشری را خلق کرد، دستور به سجده بر او داد و ابلیس سجده نکرد. چه کسی سجده نکرد؟ می‌گوییم ابلیس لعین سجده نکرد! اشتباه نکنید، آن موقع او لعین نبود! به تصریح امیرالمؤمنین^(ع) در نهج البلاغه دو رکعت نماز ابلیس، شش هزار سال طول کشید^۱. در آن زمان به تصریح بعضی از متون، ابلیس لعین، خزانه‌دار آسمان چهارم بود و موقعیتی فراتر از بسیاری ملائک داشت؛ او در حالی که از اجنه بود، هم‌ردیف برترین ملائک قرار داشت. آری، چنین موجودی بحران آفرینی کرد!

۳- تکبر ابلیس، منشاء تمام مواجهه‌ها با حق

اگر امروزه صحنه انتخابات را صحنه بحران می‌نامیم، ماجرای تمرد ابلیس و عدم سجده بر آدم و رویارویی وی با الله را چه باید بنامیم؟ کدام بحران است؟ کدام کلان‌تر است؟ هر آن‌چه که امروز و آینده در جبهه باطل می‌بینیم، نقطه شروع در آن مواجهه است، ابلیس بحرانی ایجاد کرد که تا به امروز بزرگترین بحران ایجاد شده در بشریت بوده است، و خداوند نیز رفتارهایی انجام داد که اساس رفتارهای استراتژیک در مواجهه با بحران است.

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۹۲ ص ۲۸۷- بحارالانوار ج ۱۴ ص ۴۶۵. «... كَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّةَ أَلْفِ سَنَةٍ...»

ج) مطالعه ابعاد گوناگون مکالمه ابلیس با خداوند

داستان مواجهه ابلیس با الله چنان است که شما از منظر «طراحی صحنه»، از منظر «مدیریت استراتژی»، از منظر «مطالعه بحران و مدیریت بحران»، می‌توانید قرآنی به کاوش زوایای آن پردازید. این ماجرا از منظر «آینده پژوهی» نیز قابل مطالعه است، چرا که بحث منازعه ابلیس با خدا به آینده نیز کشیده شد، مهلتی برای ابلیس تعیین شد، و بزرگترین بحران موجود توسط خداوند مدیریت شد. در ادامه به مطالعه ماجرای مواجهه ابلیس با خداوند، در سه مجموعه آیه می‌پردازیم، و پس از نگاهی تطبیقی و پازل گونه به این سه مجموعه، به ارائه درس‌های مطرح در این ماجرا همت می‌کنیم تا با عبرت از گذشته، راهکاری متقن بیابیم برای عبور از مقاطع سهمگین آینده.

د) مطالعه ماجرای مواجهه ابلیس با خداوند در سه مجموعه آیه**۱- مجموعه اول: (آیات سوره اعراف)**

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ (۱۱) قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (۱۲) قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ (۱۳) قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۴) قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (۱۵) قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (۱۶) ثُمَّ لَأَتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (۱۷) قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْذُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۸)

- مجموعه چهارم، آیات «سوره ص» می‌باشد که بدلیل محدودیت جدول تطبیقی، ذکر نگردید:

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ (۷۱) فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (۷۲) فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (۷۳) إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۷۴) قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْمَالِئِينَ (۷۵) قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (۷۶) قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (۷۷) وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ دَبِّينَ (۷۸) قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۷۹) قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (۸۰) إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (۸۱) قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۲) إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (۸۳) قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ (۸۴) لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۵)».

و در حقیقت، شما را خلق کردیم، سپس به صورتگری شما پرداختیم؛ آنگاه به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. پس همه | سجده کردند، جز ابلیس که از سجده‌کنندگان نبود.

فرمود: چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از اینکه سجده کنی؟ گفت: من از او بهترم. مرا از آتشی آفریدی و او را از گِل آفریدی.

فرمود: از آن | مقام | فرو شو، تو را نرسد که در آن | جایگاه | تکبر نمایی. پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی.

گفت: مرا تا روزی که | مردم | برانگیخته خواهند شد مهلت ده.

فرمود: تو از مهلت یافتگانی.

گفت: پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی، من هم برای | فریفتن | آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست.

آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می‌تازم، و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت.

فرمود: تکوئیده و رانده، از آن | مقام | بیرون شو؛ که قطعاً هر که از آنان از تو پیروی کند، جهنم را از همه شما پر خواهیم کرد.

۲- مجموعه دوم: (آیات سوره حجر)

وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (۲۶) وَ الْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ (۲۷) وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (۲۸) فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (۲۹) فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (۳۰) إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (۳۱) قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (۳۲) قَالَ لَمْ أَكُنْ لِسَجْدٍ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (۳۳) قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (۳۴) وَ إِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (۳۵) قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۳۶) قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (۳۷) إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (۳۸) قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۳۹) إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (۴۰) قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ (۴۱) إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ (۴۲)

و در حقیقت، انسان را از گِلی خشک، از گِلی سیاه و بدبو، آفریدیم.

و پیش از آن، جن را از آتشی سوزان و بی‌دود خلق کردیم.

و | یاد کن | هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت: من بشری را از گِلی خشک، از گِلی سیاه و بدبو، خواهم آفرید.

پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده درافتید.

پس فرشتگان همگی یکسره سجده کردند،

جز ابلیس که خودداری کرد از اینکه با سجده کنندگان باشد.
 فرمود: ای ابلیس، تو را چه شده است که با سجده کنندگان نیستی؟
 گفت: من آن نیستم که برای بشری که او را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو، آفریده‌ای، سجده کنم.
 فرمود: از این [مقام] بیرون شو که تو رانده شده‌ای.
 و تا روز جزا بر تو لعنت باشد.
 گفت: پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده.
 فرمود: تو از مهلت یافتگانی،
 تا روز او وقت معلوم.
 گفت: پروردگارا، به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من اهم گناهانشان را در زمین برایشان می‌آرایم و همه را
 گمراه خواهم ساخت،
 مگر بندگان خالص تو از میان آنان را.
 فرمود: این راهی است راست که به سوی من منتهی می‌شود.
 در حقیقت، تو را بر بندگان من تسلطی نیست، مگر کسانی از گمراهان که تو را پیروی کنند،

۳- مجموعه سوم: (آیات سوره اسراء)

وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَ أَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِيناً (۶۱) قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي
 كَرَّمْتَنَا عَلَىٰ لَيْسَ أَخْرَجْنَا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأَخْتِكَ نَدْرِيهِ إِلَّا قَلِيلاً (۶۲) قَالَ أَذْهَبُ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ
 جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُوراً (۶۳) وَ اسْتَفْزِرُّ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَ أَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ رَجَلِكَ وَ شَارِكُهُمْ
 فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ وَ عَدَّهُمْ وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُوراً (۶۴) إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَ كَفَىٰ
 بَرِيكاً وَ كَيْلًا (۶۵)

و هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید پس همه | جز ابلیس سجده کردند. گفت: آیا برای
 کسی که از گل آفریدی سجده کنم؟
 سپس | گفت: به من بگو: این کسی را که بر من برتری دادی برای چه بود؟ اگر تا روز قیامت مهلتم دهی
 قطعاً فرزندانش را - جز اندکی از آنها - ریشه کن خواهم کرد.
 فرمود: برو که هر کس از آنان تو را پیروی کند مسلماً جهنم سزایتان خواهد بود که کیفری تمام است.
 و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگان بر آنها بتاز و با آنان در اموال
 و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده، و شیطان جز فریب به آنها وعده نمی‌دهد.
 در حقیقت، تو را بر بندگان من تسلطی نیست، و حمایتگری | چون | پروردگارت بس است.

۴- جدول تطبیقی مجموعه آیات

در اینجا این سه مجموعه را با نگاهی تطبیقی مورد مطالعه قرار می دهیم تا زوایای بیشتری از ماجرای مزبور بر ایمان روشن گردد. نگاه تطبیقی آیات را می توانید در جدول ذیل مشاهده فرمایید:

موضوع / سوره	سوره اعراف	سوره حجر	سوره اسراء
۱- خلقت انسان	وَ لَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ... (۱۱)	وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَلٍ مَسْنُونٍ (۲۶) وَ الْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ (۲۷)	
۲- فرمان به سجده ملائک بر بشر	ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ ... (۱۱)	وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَلٍ مَسْنُونٍ (۲۸) فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (۲۹)	وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ ... (۶۱)
۳- عدم سجده ابلیس	فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ (۱۱)	فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (۳۰) إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (۳۱)	فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ ... (۶۱)
۴- تکبر ابلیس دلیل عدم سجده	قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (۱۲)	قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (۳۲) قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَلٍ مَسْنُونٍ (۳۳)	قَالَ أَسْجُدْ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا (۶۱)
۵- هبوط، اخراج ابلیس، لعنت بر او	قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ (۱۳)	قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (۳۴) وَ إِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (۳۵)	
۶- ابلیس و درخواست مهلت	قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ (۱۴)	قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ (۳۶)	
۷- افزایش	قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (۱۵)	قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (۳۷) إِلَى يَوْمٍ	

	الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ (۳۸)		مهلت توسط خداوند
<p>قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا (۶۲)</p>	<p>قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۳۹)</p>	<p>قَالَ فِيمَا أُغْوَيْتَنِي لَأَفْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (۱۶) ثُمَّ لَأَنْبِتَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (۱۷)</p>	<p>۸- سوگند به نشستن بر صراط، و ورود همه جانبه بر افراد جهت تزئین و اغوا، یسه کنی بشر</p>
	<p>إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ (۴۰)</p>		<p>۹- ابلیس مخلصین را از حدوده خویش نارج می بیند</p>
	<p>قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ (۴۱)</p>		<p>مستقیم شدن صراط،</p>
<p>قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا (۶۳)</p> <p>وَاسْتَفْزِرُ مِنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدْتُهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (۶۴)</p>			<p>۱۰- گسترش منه اختیارات بلیس توسط خداوند</p>

<p>إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا (۶۵)</p>	<p>إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ (۴۲)</p>	<p>۱۱- گسترش دامنه اهل صراط بدلیل مستقیم شدن صراط،</p>
		<p>۱۲- اخراج مجدد ابلیس</p> <p>قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْمُومًا مَذْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۸)</p>

۵) برداشت‌هایی از آیات مربوطه

۱- مراحل بحران سازی ابلیس

مراحل بحران سازی ابلیس اینگونه بود: خلقت انسان؛ فرمان به ملائک به سجده بر بشر که در آیات این سه مجموعه مشترک است؛ عدم سجده ابلیس که با عبارات گوناگون در این سه سوره وجود دارد؛ تکبر ابلیس که هر سه سوره وجود دارد؛ خداوند او را هبوط داد، اخراج کرد و لعنت تا «یوم الدین» را بر او قرار داد، (این ابتداءً). ابلیس مهلت خواست؛ تا چه زمانی؟ «یَوْمِ يُبْعَثُونَ».

۲- به جستجوی معنای «یوم یبعثون»

برخی از واژه‌ها بین ظهور و قیامت مشترک است. واژه قیامت، واژه آخرت، ساعت، یوم الحشر، یوم یبعثون، یوم الدین، به تصریح احادیث متعدد، هم برای قیامت کبری استفاده شده است، و هم برای ظهور. ما به اشتباه می‌گوییم «یَوْمِ يُبْعَثُونَ» یعنی فقط قیامت. با جایگاه شناسی هر آیه و استفاده از نگاه عترت است که می‌توان منظور دقیق این واژه‌ها را به دست آورد.

در این جا گفته شده که ابلیس مهلت خواست؛ تا چه زمانی؟ تا «یَوْمِ يُبْعَثُونَ». گمان ما بر این است که تا «یَوْمِ يُبْعَثُونَ» قیامت مهلت خواست، و خداوند مهلت کمتری به او داد، یعنی تا «یَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» به

او مهلت داد، و تا زمان ظهور. به تصریح امام صادق^(ع) این برداشتی اشتباه است، بلکه «يَوْمٍ يُبْعَثُونَ» در این آیه، یکی از مقاطع آخرالزمان است؛^۱ بنابراین ابلیس تا «يَوْمٍ يُبْعَثُونَ» مهلت خواست، و خداوند مهلت او را افزایش داد. او تا زمان رجعت های قبل از ظهور مهلت خواست^۲ و خداوند مهلت بیشتری برای او قرار داد.

۳- ابلیس و طرح برنامه استراتژیک در زمان بحران آفرینی

بحث اصلی اینجاست که ابلیس چه کرد؟ او در حین بحران آفرینی، برنامه استراتژیک خودش را مطرح کرد. تا امروز قریب به هفت هزار سال است که این کلیات، به گونه های مختلف در حال پیاده شدن است. آن چیز که شما امروز در جوامع غربی می بینید، نشات گرفته از برنامه ای است که ابلیس طراحی کرده است.

او سوگند خورد که بر صراط المستقیم بنشیند. دقت کنید، ممکن است بگویید: ابلیس یک حرفی زد، او که نمی تواند بر صراط بنشیند! به صحنه دقت کنید! صحنه، صحنه بحران آفرینی ابلیس است در مواجهه با خدا، و صحنه ای است برزخی. در این منازعه، ابلیس حرف بی خود نمی زند! نگاه می کند، می بیند می تواند بر صراط المستقیم بنشیند و گمراه کند، و سپس چنین ادعا می کند، و خداوند هم ادعای او را بدون نفی آن، در قرآن ذکر می کند. او می گوید بر صراط می نشینم، یک ورود همه جانبه بر همه انسان ها خواهم داشت، از پیش رو و از پشت سر، از راست و از چپ، همه را اغوا می کنم، و بشر را ریشه کن خواهم کرد.

۱ - تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۴۲ - بحار الانوار ج ۶۰ ص ۲۵۴ ح ۱۱۹. «... أَتْخَسَبُ أَنَّهُ يَوْمٌ يَبْعَثُ اللَّهُ فِيهِ النَّاسَ إِنْ اللَّهُ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُ فِيهِ قَائِمَنَا...»

۲ - بخشی از رجعت ها قبل از ظهور است و به این نکته مرحوم علامه مجلسی هم اشاره می کند: رک کتاب اعتقادات علامه ص ۲۶.

۴- ابلیس و شناخت نقطه ضعف خود در برنامه استراتژیک: «عباد مخلص»

این مجموعه آیات را با هم بینیم. این یک قسمت دیگر از پازل است. ابلیس می گوید بر صراط می نشینم و این کارها را می کنم، کلان ترین برنامه های خودش را مطرح می کند، اما یک استثنا هم می گذارد. در آن فضا که ابلیس، توان فهمی همچون ملائکک دارد و آینده را می تواند ببیند، نگاه می کند، می بیند که مخلصین را نمی تواند گمراه کند، لذا در کلام خود این استثنا را مطرح می کند. سخن او با مطالعه آینده همراه است، نگاه می کند و می بیند که نمی تواند مخلصین را گمراه کند، لذا می گوید: «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ».

۵- پاسخ خداوند به برنامه ریزی استراتژیکی ابلیس: «مستقیم کردن صراط»

ابلیس برنامه کلان خودش را مطرح کرد، میزان کینه خود نسبت به بشر و تلاش خود برای نابودی او را نیز بیان کرد، نقطه خلایی که نمی تواند به آن دست پیدا کند را هم بازگو نمود، حال سوال این است که در این صحنه بحرانی، خداوند چه رفتاری انجام داد؟ نگاهی به پازل آیات بیندازیم، ابلیس گفت: من بر صراط می نشینم، «...لَأُقْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ»^۱. خداوند چه پاسخی به این ادعا داد؟ خداوند فرمود: «...هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ»^۲. در قبال استراتژی ابلیس، خداوند برنامه کلان خود را مطرح کرد و از آن اینچنین خبر داد: «...هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ» که مستقیم بودن این صراط بر من است. ای ابلیس! فکر نکن که تو بر صراط المستقیم می نشینی و به گمراهی بندگان اقدام می کنی! استقامت این صراط بر من است و روز به روز بر استقامت آن می افزایم. مستقیم بودن صراط که به معنای صاف بودن جاده نیست، به معنای قوام و استحکام آن است.

۱- اعراف آیه ۱۶.

۲- حجر آیه ۴۱.

۶- نتیجه «مستقیم کردن صراط»: گسترش محدوده نجات یافتگان از «عباد مخلص» به «عباد»

ابلیس گفت همه را گمراه می‌کنم، به جز مخلصین را. خداوند دامنه اختیارات ابلیس را افزایش داد، بهت درخواستی او را هم افزایش داد، اما پیش از آن صراط خودش را مستقیم کرد، صراط مستقیم خودش را مستقیم‌تر کرد. بر استقامت صراط مستقیم خود افزود و سپس اختیارات ابلیس را گسترده‌تر هم کرد و فرمود: ای ابلیس! با لشکرت بر انسان بتاز! خدای حکیم قبل از آنکه صراط مستقیمش را مستقیم‌تر و مستقرتر نکند، چرا اختیارات ابلیس را بر انسان بیشتر کند؟! با سخن خداوند در موضوع استقامت صراط، اتفاق عجیبی رقم خورد: با آنکه خداوند اختیارات ابلیس را گسترش داد، اما نتیجه مل خداوند در موضوع استقامت صراط چنین شد: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ...»^۱.

گویی خداوند می‌فرماید: ای ابلیس! تو فکر کرده‌ای که فقط مخلصین را نمی‌توانی گمراه کنی؟! نتباه کردی! با اینکه اختیارات تو را گسترش دادم، اما فقط این مخلصین از بندگان نیستند که تو توان حاطه بر آنها را نداری! من با مستقیم کردن صراط، با افزایش استقامت صراط، دامنه آن کسانی که بر صراط قرار می‌گیرند را گسترش دادم. تو فکر کردی که فقط مخلصین را نمی‌توانی گمراه کنی؟! نه، إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ...»؛ فرمود: «إِنَّ عِبَادِي الْمَخْلَصِينَ» بلکه فرمود: «إِنَّ عِبَادِي»!

دقت کنید، تعبیر قرآن دقیق است. کلام خداوند، مؤید کلام ابلیس نیست. ابلیس گفت: من می‌توانم مخلصین را گمراه کنم. خداوند بر استقامت صراط افزود، اختیارات ابلیس را هم افزایش داد، این توصیف گفت کسانی که بر صراط قرار می‌گیرند و نمی‌توانی گمراهشان کنی، فقط مخلصین هستند، «إِنَّ عِبَادِي»؛ بخشی از آنها مخلصین هستند. نه سلطنتی بر بندگانم داری و نه توانی، بلکه «...وَأَنِّي بِرَبِّكَ وَكَيْلًا»^۲؛ خداوند وکیل افراد شد و ابلیس را از صحنه دور کرد.

۱. اسراء آیه ۶۵.

همان.

۷- شکست استراتژی هفت هزار ساله ابلیس

تهدید ابلیس جهت نشستن بر صراط، ورود همه جانبه بر افراد جهت القاء، وسوسه، تزیین، تسویل، اغواء، و ریشه کنی بشر، از جمله مصادیق مدیریت کلان و استراتژیکی است که هفت هزار سال است توسط ابلیس اجرا می شود. اگر شما به یک برنامه ده ساله، چشم انداز می گوید، به یک برنامه ۳۰ ساله یا ۵۰ ساله برنامه استراتژیک می گوید، به برنامه ای که هفت هزار سال است در حال اجرا است، چه می گوید؟! اسمش را چه می گذارید؟! آیا این یک فوق استراتژی است؟! ابر استراتژی است؟! همه جزئیات جبهه باطل در این راستاست، در راستای برنامه کلی فرمانده جبهه باطل! و البته برنامه ای رو به شکست!

(و) معنای «مستقیم کردن صراط»

۱- معنای صراط المستقیم، یک جاده صاف نیست

در اینجا لازم است که تاملی جدی در موضوع «مستقیم کردن صراط» داشته باشیم. وقتی گفته می شود «صراط المستقیم»، معنای این سخن ارائه یک جاده صاف نیست، که حالا ابلیس بگوید سر این جاده صاف می نشینم!!

۲- صراط المستقیم، دارای قوام و استقامت است

صراط مستقیم یعنی صراط با قوام و دارای استقامت، و به لحاظ ساختار اشتقاقی این واژه، صراطی است که پیوسته در حال ارتقاء و استقامت بیشتر است؛ معنی صراط مستقیم این است و خداوند هم بر آن تأکید می کند.

۳- قوام بخشی پیوسته صراط بدلیل «...عَلَى مُسْتَقِيمٍ»

خداوند می فرماید: «...هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ» که مستقیم بودن صراط بر من است؛ نه اینکه خداوند صراط را مستقیم کرد و تمام شد، بلکه فرمود: مستقیم بودن صراط بر من است یعنی می خواهم پیوسته آن را ارتقاء دهم و قوام بخشی کنم.

۴- تبیین استقامت صراط با ذکر یک مثال

برای تفهیم استقامت صراط، به ذکر مثالی می پردازیم. فرض کنید که شما با چند نفر از دوستانتان عازم سفری می شوید، در خلال راه به یک دو راهی می رسید. صراط مستقیم شما به این نیست که گوید آسفالت این جاده بهتر از جاده دوم است، پس از مسیر اول حرکت کنیم! صراط مستقیم در این ماجرا آن است که در رسیدن به دو راهی، افراد متفرق نشوند. تصور کنید که دوباره به دو راهی یا سه راهی می رسید، و باز هم هیچ یک از دوستان شما متفرق نمی شوند؛ یعنی تا این حد، مسیر حرکتی شما بین است! و اینقدر تبیین از آن مسیر و جاده دارید! پس مستقیم بودن صراط، به خاکی بودن و یا آسفالت بودن آن نیست! اصلاً اینها مهم نیست. مستقیم بودن صراط یعنی چار چوب داشتن نگاه، یعنی استقامت داشتن و نظام مند بودن تا حدی که هر چه راههای فرعی و انحرافی پیش روی انسان گذارند، در مسیرشان و اتحادشان تزلزلی ایجاد نشود؛ این یعنی صراط مستقیم.

ز) حکم خداوند و چگونگی «مستقیم کردن صراط»

۱- قویم کردن صراط بوسیله جریان هدایت و هادیان

امیدوارم شما بتوانید به لحاظ تصویرسازی ذهنی، حداقل هفت هزار سال به عقب بروید و در این قطه بایستید؛ زمانی که اهل بیتی به عمق عالم نیامده اند، زمانی که انبیاء و رسل نیامده اند، فقط یک صحنه برزخی وجود دارد و در این صحنه، مواجهه ابلیس با الله شکل می گیرد. بعد از تهدیدات ابلیس،

خداوند صراط را مستقیم می‌کند و می‌فرماید: «...هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ». می‌دانید تبعه این حکم الهی چیست؟ جریان هدایت، آمدن انبیاء، ارسال رسولان، و آمدن اهل بیت^(ع).

پس جریان بیشتر هدایت، فرستادن هادیان الهی و دعوت مردم برای اتصال پیوسته با هادیان، تحقق رجعت‌ها و ... همه و همه بدلیل تحقق یک جمله است: «...هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ»، چرا که این جمله، خود سرشاخه کثیری از خیرات است. بنابراین تمام خیراتی که پس از بحران آفرینی ابلیس، در عمق عالم جریان پیدا کرد، تبعه تصمیم الله است نسبت به «مستقیم کردن صراط».

۲- اهل بیت^(ع) همان صراط مستقیم‌اند

زمانی که ابلیس، برنامه کلان خود را طراحی و ارائه کرد، خداوند با عصیبت با او برخورد نکرد، از سویی مهلت و اختیارات او را افزایش داد، و از سویی دیگر جریانی از خیرات را رقم زد، تا هدایت را جاری کند، بشر را به عمق آورد، انبیاء و رسولان را با قوای الهی ارسال کند، آن‌ها را مسلح به شریعت کند، اهل بیت را به عنوان معلمان بشر به عمق آورد و انسان‌های بیشتری را از دام ابلیس برهاند.

گویی خداوند می‌فرماید ای ابلیس! تو سخن از برنامه ای کلان و طولانی داری؟! بین من چه می‌کنم! خداوند صراط خود را مستقیم کرد، مستقیم به چه چیزی؟ به ارسال رسل و به ارسال هادیان؛ خداوند اینگونه صراطش را مستقیم کرد، قوام صراط خودش را به ارسال رسولان و هادیان قرار داد و البته به این میزان اکتفا نکرد، و امامان^(ع) را نیز قوام بخش صراط قرار داد. پس صراط المستقیم یعنی صراط قوام یافته، به عترت و به هادیان. لذا امیرالمؤمنین^(ع) فرمود: «أَنَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ»^۱، یا امام سجاد^(ع) فرمودند: «نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ»^۲.

۱ - غیبت نعمانی ص ۱۶۵.

۲ - معانی الاخبار ص ۳۵ - بحار الانوار ج ۲۴ ص ۱۲.

۳- مصادیق قوام بخش صراط، در آیات قرآن

با تفحص در آیات قرآن در می‌یابیم که مستقیم شدن صراط، با مصادیق مختلفی از جمله عبودیت مطرح شده است؛ از زمانی که عبودیت برای ملائک و اجنه مطرح شده است یعنی پیش از خلقت انسان، صراط برای آن دو گروه از مخلوقات، مستقیم شده است؛ و بعد از خلقت انسان و تمرد و تهدید عملی ابلیس، خداوند مرحله به مرحله، صراط را برای انسان مستقیم‌تر می‌کند:

الف - مستقیم شدن صراط با مقوله عبودیت:

- [حجر ۴۱ و ۴۲] - «قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ * إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ»

- [یس ۶۰ و ۶۱] - «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ * وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»

ب - مستقیم شدن صراط با مقوله دین قیم و حنیفیت در زمان ابراهیم^(ع):

[انعام ۱۶۱] - «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»

ج - مستقیم شدن صراط با مقوله تبعیت:

[زخرف ۶۱ و ۶۲] - «وَ إِنَّهُ لَعَلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَ اتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ * وَ لَا يَصُدَّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»

د - مستقیم شدن صراط با مقوله شرح صدر به اسلام:

[انعام ۱۲۵ و ۱۲۶] - «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَ مَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرُّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ * وَ هَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَكَّرُونَ»

ه - مستقیم شدن صراط با مقوله سبیل الله:

[انعام ۱۵۳] - «وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّأَكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

فصل پنجم؛

«عبرت قرآنی از گذشته در مدیریت بحران

امروز و آینده»

الف) «مستقیم کردن صراط» بجای ایجاد ستاد بحران

ما در زمان وقوع بحران در جامعه، بلافاصله تصمیم می‌گیریم که ستاد بحران تشکیل دهیم، اما در رفتار خداوند در مواجهه ابلیس چنین می‌بینیم که خداوند، نه به تشکیل ستاد بحران، که به مستقیم کردن صراط پرداخت! عزیزان! به جای پرداختن به هر کاری در قبال بحران‌ها، تنها صراط را مستقیم کنیم؛ نه صراط خدا را، که آن مستقیم است، بلکه سعی کنیم که در زمره «وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» و «أَصْحَابِ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ» قرار بگیریم، نه «عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كَيْون». (در ادامه، توضیحات مربوطه ارائه خواهد شد).

آیا در آخر الزمان هم می‌بایست به «مستقیم کردن صراط» پردازیم؟ و آیا علاوه بر نگاه عقلانی و عبرت از گذشته برای آینده، مویذات قرآنی دیگری نیز در این موضوع وجود دارد؟ در ادامه، ابتدا به ذکر سخن و فعل اهالی جبهه باطل در آخر الزمان می‌پردازیم و سپس به فعل یاوران حضرت مهدی در آینده عالم.

ب) مطالعه رفتار جبهه باطل در آخر الزمان: درخواست متابعت از رسل (ابراهیم ۴۴)

در آیه ۴۴ سوره ابراهیم آمده است:

«وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نَجِبْ دَعْوَتِكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُلَ أَمْ لَمْ تُكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِمَّن قَبْلُ مَا لَكُمْ مِّن زَوَالٍ»

«و ای پیامبر! مردم را از روزی که عذاب بر آنان می آید بترسان. پس آنان که ستم کرده اند می گویند: پروردگارا، ما را تا چندی مهلت بخش تا دعوت تو را پاسخ گوییم و از فرستادگان تو پیروی کنیم. به آنان گفته می شود: مگر شما پیش از این سوگند نمی خوردید که شما را فنا می نیست؟»

گفته می شود ای پیامبر! مردم را از روزی که عذاب الهی به سراغشان می آید، بترسان. سپس آن ها اراده و درخواست تأخیر عذاب می کنند و تعهد به تبعیت و حرف شنوی از رسولان می دهند. برآستی کدام عذاب؟ عذاب قیامت کبری یا عذاب آخرالزمان؟! کدام رسولان؟ رسولانی که رفته اند؟

۱- استدلال عقلی بر ارتباط ابراهیم ۴۴ با آخرالزمان

اولا: در آتیه عالم، عذابی واقع خواهد شد که امکان جبران افعال گذشته در آن زمان وجود دارد، پس زمان تحقق عذاب، قیامت کبری نمی باشد.

ثانیا: می بایست رسولانی رجعت کرده باشند که امکان اتباع از ایشان بوجود آمده باشد.

ثالثا: این تبیین می بایست چنان مورد پذیرش قرار گرفته شده باشد که ظالمان و اهالی جبهه باطل نیز به مستقیم کردن صراط خود و اتباع از رسل معتقد شده باشند.

همچنانکه مشاهده می شود، همان راهکاری که خداوند در مواجهه با ابلیس مطرح می کند و صراط را به آمدن هادیان مستقیم می کند، در موضوع آخرالزمان نیز مطرح می باشد.

۲- استدلال روایی بر ارتباط ابراهیم ۴۴ با آخرالزمان

این نگاه استدلالی درباره آیه ۴۴ سوره ابراهیم، حداقل در دو روایت موجود است:

– امیرالمومنین ع: «وَ أَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ، هُوَ ظُهُورٌ قَائِمًا الْمُعَيَّبُ لِأَنَّهُ عَذَابٌ عَلَى الْكَافِرِينَ وَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ»^۱

«درباره و آذیر الناس یوم یاتیهم العذاب فرمودند: ظهور قائم پنهان ما است، که او عذاب بر کافرین است و شفاء و رحمت بر مومنین.»

۱- روزگار رهایی ج ۲ ص ۶۰۷ ح ۸۰۸.

- امام باقر ع: «قَوْلُهُ رَبَّنَا أَخْرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نَجِبُ دَعْوَتِكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ أَرَادُوا تَأْخِيرَ ذَلِكَ إِلَى الْقَائِمِ ع»^۱

«درباره ربنا اخرنا إلي اجل قريب نجب دعوتك وتبع الرسل فرمودند: خواستار تاخیر ماجرا تا زمان قائم شدند.»

ج) مطالعه رفتار جبهه حق در آخرالزمان: اصحاب صراط و ولایت (طه ۱۳۴ و ۱۳۵)

- مستقیم شدن صراط تا حد اصحاب صراط شدن

در آیات ۱۳۴ و ۱۳۵ سوره طه آمده است:

«وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِّن قَبْلِ أَنْ نُنزِلَ وَنَخْزِي (۱۳۴) قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَن أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ»

و اگر ما آنان را قبل از [آمدن آیات] به عذابی هلاک می کردیم، قطعاً می گفتند: پروردگارا، چرا رسولی به سوی ما نفرستادی تا پیش از آنکه خوار و رسوا شویم از آیات تو پیروی کنیم؟ بگو: همه در انتظارند. پس در انتظار باشید. زودا که بدانید یاران راه راست کیانند و چه کسی راه یافته است.

همچنانکه مشاهده می شود آیه ۱۳۴ سوره طه مشابه آیه ۴۴ سوره ابراهیم است، در این آیه نیز چشم‌ها در انتظار آمدن رسولان است تا با اتباع از ایشان و آیات همراهشان، اهل خذلان از موقعیت خویش نجات یابند؛ و جالب آن که خداوند فرمان به انتظار می دهد و همگان را دعوت می کند تا چشم به راه «اصحاب صراط سوی» باشند و منتظر اهل هدایت، عصیان کاران، تنها راه نجات خویش را مستقیم کردن صراط خود و پیروی از رسولان بر می شمروند، و خداوند وعده آمدن اصحاب صراط سوی را مطرح می کند، همانان که صراط خود را مستقیم کرده‌اند و چنان در این موضوع همت کرده‌اند که «اصحاب الصراط السوی» نام گرفته اند:

امام صادق ع: «الصِّرَاطُ السَّوِيُّ هُوَ الْقَائِمُ ع وَ الْهُدَىٰ مَنِ اهْتَدَىٰ إِلَى طَاعَتِهِ»^۲

«صراط سوی، قائم است و منظور از الهدی کسی است که به طاعت او هدایت شده است.»

۱ - تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۲۵۸ - بحار الانوار ج ۴۴ ص ۲۱۷.

۲ - تاویل الآیات ص ۳۱۷ - بحار الانوار ج ۲۴ ص ۱۵۰.

د) درس‌های «مدیریت بحران» خداوند «برای امروز»

۱- مستقیم کردن صراط خود با متابعت از ولی

با توجه به آنچه گذشت، اصلی‌ترین نقطه اتکاء ما در بحث مدیریت بحران‌های آخرالزمان، اتصال به هادی و ولی است، امروز نیز جامعه دینی ما از خلاء همین رفتار رنج می‌برد و آسیب می‌بیند. برنامه‌های فرهنگی ما اگر اتصال بخش به ولی نباشد، به قدر دو ریالی هم ارزش نخواهد داشت! اصلی‌ترین برنامه الهی، فرستادن رسل و دعوت مردم به اطاعت و اتباع از هادیان الهی است، برنامه‌ریزی‌های فرهنگی ما چه سمت و سویی را نشانه رفته است؟! اگر اتصال به هادی، پررنگ‌ترین بعد رفتاری یک انسان قرار گیرد، حتی اگر این انسان در سخت‌ترین شرایط هم واقع شود و تبیین هم نداشته باشد، باز نمی‌لغزد و دچار سقوط نمی‌گردد. آیا مشکل جامعه امروز ما خلاء متابعت از هادی و ولی نیست؟

۲- کوتاهی‌ها در «مستقیم کردن صراط» انقلاب اسلامی؛ در خشت اول و طراز انقلاب

ای کاش بعد از انقلاب اسلامی، در تبیین خشت اول فرهنگ همت می‌کردیم، ای کاش طراز فرهنگ جامعه را آنگونه که باید قرار می‌دادیم و بدین‌گونه صراطمان را مستقیم می‌کردیم! ای کاش زحمات امام راحل‌مان را در این باب نادیده نمی‌گرفتیم! و ای کاش تأکیدات رهبر معظم انقلاب در فرهنگ صحیح را جدی می‌گرفتیم! براستی ما در کدام مقطع، به «مستقیم کردن صراط» خود و انقلاب پرداختیم؟! نمونه واضح بی‌تفاوتی ما، بحث اسلام ناب است؛ نمونه واضح بی‌تفاوتی ما، بی‌توجهی به اهدافی است که برای انقلاب اسلامی مطرح بوده است! در کدام قسمت از برنامه‌های استراتژیک، تأکیدات امام راحل و مقام معظم رهبری در موضوع «افق ظهور» را لحاظ کرده‌ایم؟ مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«در جهتی که حکومت امام زمان علیه آلاف التحیه و الثناء و عجل الله تعالی فرجه تشکیل خواهد شد، در همان جهت، زندگی امروز را بسازیم و بنا کنیم.»

این عبارت، کلام مصرح رهبری است. و ما بجای تبیین خشت اول، صرفاً به ایجاد شور و نشاط پرداختیم و از تبیین مفاهیم بنیادین و متقن قرآنی حذر کردیم!

آیا فکر کرده ایم که علت ریزش‌های متعدد در میان برخی از انقلابیون، در این مدت سی ساله چیست؟! آیا نمی‌توان گفت که دلیل ریزش‌ها بخصوص در انتخابات اخیر آن است که همه کار کرده‌ایم به جز مستقیم کردن صراط؟! آیا این تعبیر صحیح است که انقلاب اسلامی ایران مثل قطاری می‌ماند که در هر ایستگاهی، تعدادی از افراد از آن پیاده می‌شوند؟ دلیل آن چیست؟ آیا می‌توان کاری کرد که به جای ریزش‌ها، شاهد رویش‌ها باشیم؟ آیا می‌توان کاری کرد که به جای دعوها و اعمال سلیقه‌ها، بر اصول واحد و اشتراکات توافق داشته باشیم؟ براستی کجای کار اشکال دارد؟ اشکال کار این جا است: ما آن افقی که امام راحل می‌دید را نمی‌بینیم و متناسب آن افق نیز به برنامه‌ریزی نمی‌پردازیم؛ برنامه‌ریزی‌های استراتژیک ما آنگونه است که خود می‌اندیشیم! برای فضای انقلاب برنامه‌ریزی می‌کنیم، اما با دنیایی فاصله از اهداف انقلاب! اینگونه خطا، خطایی آشکار و استراتژیک است.

۳- کوتاهی در تبیین اخلاق و معارف صراط المستقیم

گفتیم که منظورمان از مستقیم کردن صراط، اتصال مردم به هادی الهی است، چه اینکه رمز ماندن عده کثیری بر صراط، در داستان مواجهه ابلیس نیز همین ماجرا بود. رمز توسعه دامنه نجات یافتگان، از «بندگان مخلص» به «بندگان»، «مستقیم کردن صراط» بود و اتصال به هادیان. آیا ما این تبیین را بگونه‌ای زیبا و دلنشین در جامعه نهادینه کردیم؟! که اگر چنین همتی می‌داشتیم، امروزمان بگونه دیگری بود! براستی چرا صراط دین و فرهنگ‌مان را پاسداری نکردیم که تا امروز، شاهد جدا شدن بخشی از بدنه جامعه از فرهنگ و تفکر دینی نباشیم؟! آیا نمی‌خواهیم به آفت شناسی این مهم همت بورزیم؟ آیا باور نداریم که «اخلاق» و «معرفت»، دو حوزه‌ای است که نسبت به ورود در آن کوتاهی داشته‌ایم؟! داشته‌ایم؟! داشته‌ایم!؟

۴- قوام صراط به چیست؟

شاید گفته شود که قوام صراط به چه چیزی است؟ تا حدی با قانون هست، همچنانکه رهبر معظم انقلاب نیز بدان اشاره فرمودند؛ و البته در شرایط دشوار و پیچیده فتنه، قوام صراط، با شخص هادی و ولیّ تعریف می‌پذیرد. اگر امام حسین^(ع) ولیّ جامعه است، قوام صراط با او است، اگر چه که مکه را رها کند و به سمت کوفه و شهادت برود. «قوام صراط» به انجام حج نیست! قوام صراط به شخص ولیّ است، نه به انجام طواف و قواعد حج! با طواف ولیّ الهی طواف می‌کنیم و با احتراز او چشم می‌پوشیم. «مستقیم کردن صراط» به متابعت از ولیّ محقق می‌شود، چه عمره و تمتع گزیند و چه تمتع را رها سازد و رهسپار شهادت شود! تعبیری همچون «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ^۱» «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ^۲»، «فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ^۳»، «تَتَّبِعِ الرَّسُولَ^۴»، همه و همه اشاره به اصلی‌ترین رفتار نجات بخش در مواجهه با بحران‌ها دارد؛ و قوام صراط فرهنگ و دین، جز با این اصل رفتاری محقق نخواهد شد.

۵- گام‌های مستقیم کردن صراط جامعه (بر اساس آل عمران ۱۰۴)

نکته آخر آنکه ارائه این مهم، صرفاً به بیان طوطی وار نخواهد شد؛ تبیین نیازهای این حیطه، تبیین مفاهیم این حوزه، تبیین آفات این حوزه، و مهم‌تر از آن عمل عالمانه از نیازهای ما در این بحث است. خداوند متعال در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران در دعوت به ارزش‌ها، تقدم و تاخر گام‌ها را اینچنین بر می‌شمرد:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به خیرات دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند.

۱- آل عمران آیه ۱۰۳.

۲- نساء آیه ۵۹.

۳- بقره آیه ۳۸، طه آیه ۱۲۳.

۴- ابراهیم آیه ۴۴.

اگر شما عزیزان می‌خواهید مشمول این آیه باشید، تقدم و تأخر کلام خدا را رعایت کنید. ابتدا دعوت به خیر، سپس امر به معروف و سپس نهی از منکر. چرا ما از آخر شروع کرده‌ایم؟! ابتدا نهی از منکر می‌کنیم، امر به معروف را هم که بهانه دشوار بودن تعطیل کرده‌ایم! دعوت به خیر را هم که آشنا نیستیم! حال آنکه «مستقیم کردن صراط» می‌بایست بر اساس نظام قرآنی، تحقق یابد؛

۱- ابتدا دعوت به خیر، که همان دعوت به ولایت است؛ دعوتی که باید محصول آن «...أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» و «تَتَّبِعِ الرَّسُولَ» باشد.

۲- سپس «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ» که مهم‌ترین معروف، وجود امام عصر^(عج) است. ای کاش ما تصویر مهدویت و وجود نازنین امام عصر را زیبا به نمایش می‌گذاشتیم! این چنین به تعمیق این مهم می‌پرداختیم و سپس به نهی از منکرات اقدام می‌کردیم.

امروزه غرب با پتانسیل آینده‌شناسی، جامعه خود را حرکت می‌دهد، و ما هم با روش «بکن و نکن». یقیناً تبیین صحیح، نتایجی را بدنبال خواهد داشت که روش موجود ما از ارائه آن ناتوان می‌باشد. جامعه دارای افق، جامعه‌ای با پتانسیل بالا برای حرکت است، و بهترین پتانسیل حرکتی، تبیین صحیح مهدویت است.

۶- توصیه‌ای به سازمان ملی جوانان

- برنامه‌ریزی گسترده برای قویم کردن صراط جامعه

من از عزیزان متولی طرح حکمت، و از مسئولین محترم سازمان ملی جوانان که در این مجلس حاضر هستند درخواست می‌کنم، اگر این بحث را قرآنی یافتید و نه نفسانی، با عزیزان فراتر از مجموعه هم مطرح کنید. عزیزان! بزرگ‌ترین بحران واقع در بشریت با درس «مستقیم کردن صراط» کنترل شد؛ عبور

۱ - کافی ج ۸ ص ۳۱۳ ح ۴۸۷ عن الباقر ع - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۸.

از بحران‌های آینده با تقید به این درس میسر می‌شود؛ و امروز نیز گره‌های کور فرهنگی ما با این رفتار نورانی باز خواهد شد، ان شاء الله.

۷- مؤدهای به جامعه شیعیان

- فیلم سینمایی «ملک سلیمان»، راهبردی‌ترین نگاه موجود به «مستقیم کردن صراط»
 اگرچه ما نیازمند حرکت سریع‌تر و با قوام‌تر هستیم، اما این مؤده را خدمت شما عرض کنم که کارهای خوبی در حال انجام است. یکی از کارهای فاخری که در این زمینه خداوند محبت کرده و در کشور به همت مسئولین محترم به سامان رسیده، فیلمی است راجع به یکی از انبیاء الهی، به نام سلیمان^(ع). همین بحثی که شما امروز شاهد آن بودید، در حوزه تصویرسازی، با عنوان کلان‌ترین کار استراتژیک نظام در حال ارائه است. ان شاء الله تا چند ماه دیگر، این اثر در جامعه پخش خواهد شد. شما بصورت تصویری مشاهده خواهید کرد که در شدیدترین بحران‌ها، تنها راه نجات، اتصال به ولی است.

امیدوارم همه شما عزیزان همت کنید در مستقیم شدن صراط - صراط خودتان و صراط جامعه - و این مطالعه را از حوزه اندیشه به حوزه‌های مختلف، از جمله به حوزه تصویر بکشانید، ان شاء الله.

فهارس؛

فهرست تفصیلی

فهرست آیات

فهرست احادیث

فهرست منابع

«فهرست تفصیلی عناوین»

فهرست اجمالی	۵
پیش‌گفتار	۷
فصل اول - به جستجوی «منظر برتر» در «آینده پژوهی»	۱۳
الف) منظرهای شش‌گانه در آینده پژوهی	۱۶
۱- منظر علم نجوم و علم سحر	۱۶
- قدمت این منظر	۱۶
- استفاده مدعیان لیبرال دموکراسی از این دانش!	۱۶
۲- منظر فلسفی	۱۷
- بنیانگذاران متقدم	۱۷
- تفاوت مدینه فاضله افلاطون با جامعه مهدوی	۱۸
- بنیانگذاران متاخر	۱۸
- حوزه‌های ارائه آینده پژوهی	۱۸
- سینمای غرب، اولین نقطه کلان در ارائه مباحث آینده پژوهی	۱۹
۳- منظر کلامی	۱۹
- تعریف این منظر	۱۹
۴- منظرهای ترکیبی	۱۹
- تعریف این منظر	۱۹
۵- منظر روایی	۲۰
- شاخص‌های فکری و آثار برتر	۲۰
۶- منظر قرآنی	۲۱
- تعریف این منظر	۲۱
- خلاء پژوهش صرف قرآنی در جامعه مسلمین	۲۱
ب) ضرورت آینده پژوهی قرآنی	۲۱
۱- قرآن، جامع‌ترین متن آینده پژوهی	۲۲

- ۲- قرآن و مخاطبین بسیار ۲۲
- ۳- قرآن، متن مورد اتفاق و بدون اختلاف ۲۲
- نقدی بر پژوهش روایی مهدوی، متکی بر نقد رجالی ۲۲
- ۴- قرآن، متقن‌ترین متن ۲۳
- ۵- قرآن، و ارائه بهترین معیارها برای ساختن بنای فرهنگ ۲۳
- خشت اول در فرهنگ: توجه به حکومت آرمانی حضرت ۲۳
- طراز بنای فرهنگ: حبل الله مهدوی ۲۴
- ۶- منظر شناسی استراتژیک، مقدم بر سخن استراتژیک ۲۴
- فصل دوم - بخشی از «مقاطع آینده» در نگاه قرآنی - روایی ۲۵**
- الف) بررسی کلی مقاطع از زمان فعلی تا جنت ظهور (آیه ۲۱۴ سوره بقره) ۲۷
- ۱- مراحل آینده: «باساء و ضراء» و «جنت» (با استدلال عقلی) ۲۸
- ۲- مراحل آینده: «باساء و ضراء» و «جنت» (با استدلال روایی) ۲۸
- ب) مطالعه مقاطع پیش‌رو، در تعبیر مشابه روایی ۲۹
- ۱- النیران، ینابیع الحیوان ۲۹
- ۲- عسر و کرب و شدت، یسر و فرج و رخاء ۲۹
- ۳- غربال و تمحیص، بهره و تنعم ۲۹
- ج) جدول مقایسه‌ای اسامی مقاطع ۳۰
- د) اثبات وجود دو بخش در مقطع فتنه‌ها ۳۰
- ۱- مقطع انحطاط فرهنگی، و مقطع تحولات در طبیعت ۳۱
- ۲- روایت جابر بن عبدالله انصاری در حجه الوداع از پیامبر اکرم (ص) ۳۱
- ه) اتمام بخش اول فتنه‌ها، و آستانه بخش دوم ۳۵
- ۱- سخن محققان در تحقق دو هزار نشانه عمومی آخرالزمان ۳۵
- ۲- پاسخ عنقریب طبیعت به گناه موحدان ۳۶
- ۳- نیاز طراحان استراتژیست به مبحث «در آستانه مقطع دوم آخرالزمان» ۳۶
- ۴- پیش‌بینی افزایش و یا کاهش التهابات در جوامع ۳۷

- ۳۷..... (و) جدولی کلی از «مقاطع آینده».....
- ۳۹..... فصل سوم - توصیف بخشی از «مقطع دوم آخرالزمان» در قرآن و روایات.....
- ۴۱..... الف) تحقق آیه ۶۵ سوره انعام در آینده، بر اساس ادله شش گانه علامه طباطبایی.....
- ۴۲..... ب) تبیین روایی آیه ۶۵ سوره انعام، در هفت روایت.....
- ۴۴..... ج) توجه به دو نوع رفتار، در قبال چهار بخش از فتنه‌ها.....
- ۴۶..... د) پازل جدولی بخشی از مقاطع آخرالزمان.....
- ۴۷..... فصل چهارم - به جستجوی راهکار قرآنی در بزرگترین بحران ایجاد شده در تاریخ بشر.....
- ۴۹..... الف) ضرورت جستجوی راهکارهای الهی برای بحران‌ها.....
- ۴۹..... - مدیر عالم، و حکمت او جهت به مخاطره نیفتادن بشر.....
- ۵۰..... ب) بزرگترین بحران در بشریت، در زمان خلقت آدم^(ع).....
- ۵۰..... ۱- تکبر ابلیس و عدم سجده بر آدم^(ع).....
- ۵۰..... ۲- جایگاه ابلیس پیش از تکبر: از بهترین ملائک.....
- ۵۰..... ۳- تکبر ابلیس، منشاء تمام مواجهه‌ها با حق.....
- ۵۱..... ج) مطالعه ابعاد گوناگون مکالمه ابلیس با خداوند.....
- ۵۱..... - طراحی، مدیریت استراتژی، مدیریت بحران.....
- ۵۱..... - آینده پژوهی.....
- ۵۱..... د) مطالعه ماجرای مواجهه ابلیس با خداوند در سه مجموعه آیه.....
- ۵۱..... ۱- آیات سوره اعراف.....
- ۵۲..... ۲- آیات سوره حجر.....
- ۵۳..... ۳- آیات سوره اسراء.....
- ۵۴..... ۴- جدول تطبیقی مجموعه آیات.....
- ۵۶..... ه) برداشت‌هایی از آیات مربوطه.....
- ۵۶..... ۱- مراحل بحران سازی ابلیس.....
- ۵۶..... ۲- به جستجوی معنای «یوم یبعثون».....

- ۳- ابلیس و طرح برنامه استراتژیک در زمان بحران آفرینی..... ۵۷
- ۴- ابلیس و شناخت نقطه ضعف خود در برنامه استراتژیک: «عباد مخلص»..... ۵۸
- ۵- پاسخ خداوند به برنامه ریزی استراتژیکی ابلیس: «مستقیم کردن صراط»..... ۵۸
- ۶- نتیجه «مستقیم کردن صراط»: گسترش محدوده نجات یافتگان از «عباد مخلص» به «عباد»..... ۵۹
- ۷- شکست استراتژی هفت هزار ساله ابلیس..... ۶۰
- (و) معنای «مستقیم کردن صراط»..... ۶۰
- ۱- معنای صراط المستقیم، یک جاده صاف نیست..... ۶۰
- ۲- صراط المستقیم، دارای قوام و استقامت است..... ۶۰
- ۳- قوام بخشی پیوسته صراط بدلیل «...عَلَى مُسْتَقِيمٍ»..... ۶۱
- ۴- تبیین استقامت صراط با ذکر یک مثال..... ۶۱
- (ز) حکم خداوند و چگونگی «مستقیم کردن صراط»..... ۶۱
- ۱- قویم کردن صراط بوسیله جریان هدایت و هادیان..... ۶۱
- ۲- اهل بیت^(ع) همان صراط مستقیم اند..... ۶۲
- ۳- مصادیق قوام بخش صراط، در آیات قرآن..... ۶۳
- مستقیم شدن صراط با مقوله عبودیت..... ۶۳
- مستقیم شدن صراط با مقوله دین قیم و حنیفیت در زمان ابراهیم(ع)..... ۶۳
- مستقیم شدن صراط با مقوله تبعیت..... ۶۳
- مستقیم شدن صراط با مقوله شرح صدر به اسلام..... ۶۳
- مستقیم شدن صراط با مقوله سیل الله..... ۶۳
- فصل پنجم - عبرت قرآنی از گذشته، در «مدیریت بحران» «امروز» و «آینده»..... ۶۵**
- (الف) «مستقیم کردن صراط» بجای ایجاد ستاد بحران..... ۶۷
- (ب) مطالعه رفتار جبهه باطل در آخرالزمان: درخواست متابعت از رسل (ابراهیم ۴۴)..... ۶۷
- ۱- استدلال عقلی بر ارتباط ابراهیم ۴۴ با آخرالزمان..... ۶۸
- ۲- استدلال روایی بر ارتباط ابراهیم ۴۴ با آخرالزمان..... ۶۸

- ج) مطالعه رفتار جبهه حق در آخرالزمان: اصحاب صراط و ولایت (طه ۱۳۴ و ۱۳۵)..... ۶۹
- مستقیم شدن صراط تا حد اصحاب صراط شدن..... ۶۹
- د) درس‌های «مدیریت بحران» خداوند «برای امروز»..... ۷۰
- ۱- مستقیم کردن صراط خود با متابعت از ولی..... ۷۰
- ۲- کوتاهی در «مستقیم کردن صراط» انقلاب اسلامی؛ در خشت اول و طراز انقلاب..... ۷۰
- ۳- کوتاهی در تبیین اخلاق و معارف صراط المستقیم..... ۷۱
- ۴- قوام صراط به چیست؟..... ۷۲
- قانون و حدود آن..... ۷۲
- شخص ولی..... ۷۲
- ۵- گام‌های مستقیم کردن صراط جامعه (بر اساس آل عمران ۱۰۴)..... ۷۲
- دعوت به خیر (ولایت)..... ۷۳
- امر به معروف (مهم‌ترین: مهدویت)..... ۷۳
- نهی از منکر..... ۷۳
- ۶- توصیه‌ای به سازمان ملی جوانان..... ۷۳
- برنامه‌ریزی گسترده برای قویم کردن صراط جامعه..... ۷۳
- ۷- مزدهای به جامعه شیعیان..... ۷۴
- فیلم سینمایی «ملک سلیمان»، راهبردی‌ترین نگاه موجود به «مستقیم کردن صراط»..... ۷۴

فهارس.....	۷۵
فهرست تفصیلی.....	۷۷
فهرست آیات.....	۸۲
فهرست احادیث.....	۸۵
فهرست منابع.....	۸۶

«فهرست آیات»

شماره صفحه آیات این کتاب	آیه	آیه	ردیف آیه	سوره بقره
ص ۷۲	«فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ...»	[۳۸]	۱.	
ص ۲۷	«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ...»	[۲۱۴]	۲.	
ص ۱۶	«وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ...»	[۱۰۲]	۳.	
				آل عمران
ص ۲۸	«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ...»	[۱۴۲]	۴.	
ص ۱۹	«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ...»	[۱۰۳]	۵.	
ص ۷۲	«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ...»	[۱۰۴]	۶.	
				نساء
ص ۷۲ و ۷۳	«اللَّهُ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ...»	[۵۹]	۷.	
				مائده
ص ۶۷	«وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ...»	[۱۶]	۸.	
				انعام
ص ۴۲ و ۴۱ و ۴۲	«قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا...»	[۶۵]	۹.	
و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۹				
ص ۴۲ و ۴۱	«وَ كَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ...»	[۶۶]	۱۰.	
ص ۴۲ و ۴۱	«لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ...»	[۶۷]	۱۱.	
ص ۶۳	«فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ...»	[۱۲۵]	۱۲.	
ص ۶۳	«وَ هَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا...»	[۱۲۶]	۱۳.	
ص ۶۳	«وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ...»	[۱۵۳]	۱۴.	
ص ۶۳	«قُلْ إِنِّي هِدَايَ رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ...»	[۱۶۱]	۱۵.	
				اعراف
ص ۵۵ و ۵۴ و ۵۱	«لَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ... لِأَمَلَانَ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ»	[۱۱]	۱۶.	
و ۵۶		[۱۸]		

ص ٥٧ و ٥٦	«... أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ»	[١٤]	.١٧	
ص ٥٨	«لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ»	[١٦]	.١٨	
				توبه
ص ٢٨	«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ...»	[١١١]	.١٩	
				ابراهيم
ص ٧٢ و ٦٨ و ٦٧	«وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ...»	[٤٤]	.٢٠	
٧٣ و				
				حجر
ص ٥٥ و ٥٤ و ٥٢	«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ... إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ»	[٢٢٦]	.٢١	
٥٦ و		[٤٢]		
ص ٥٦	«وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ...»	[٣٥]	.٢٢	
ص ٥٧ و ٥٦	«...أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ»	[٣٦]	.٢٣	
ص ٥٦	«إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»	[٣٨]	.٢٤	
ص ٥٨	«إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ»	[٤٠]	.٢٥	
ص ٦٢ و ٦١ و ٥٨	«هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ»	[٤١]	.٢٦	
ص ٦٣	«إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ»	[٤٢]	.٢٧	
				اسراء
ص ٥٥ و ٥٤ و ٥٣	«إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ... كَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا»	[٦١]	.٢٨	
٥٦ و		[٦٥]		
ص ٥٩	«إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ...»	[٦٥]	.٢٩	
				طه
ص ٧٢	«فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ...»	[١٢٣]	.٣٠	
ص ٦٩	«وَلَوْ أَنَا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ...»	[١٣٤]	.٣١	
ص ٦٩ و ٦٧	«قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا...»	[١٣٥]	.٣٢	
				مومنون
ص ٦٩	«... عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ»	[٧٤]	.٣٣	

			یس
ص ۶۳	«أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ...»	[۶۰] .۳۴	
ص ۶۳	«وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»	[۶۱] .۳۵	
			زخرف
ص ۶۳	«... وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»	[۶۱] .۳۶	
ص ۶۳	«وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»	[۶۲] .۳۷	

«فهرست روایات»

صفحه	متن روایت	رسول الله (ص)
ص ۳۲ و ۳۵	۱. «... فَإِذَا أُوتِيتُمْ هَذِهِ الْخِصَالِ تَوَقَّعُوا الرِّيحَ الْحَمْرَاءَ...»	
ص ۳۶ و ۴۳	۲. «لما نزلت هذه الآية قل هو القادر على أن يبعث عليكم عذاباً...»	
ص ۴۳	۳. «في قوله أو يلبسكم شيعاً...»	
ص ۴۳	۴. «في هذه الآية: قل هو القادر على أن يبعث عليكم عذاباً...»	
		أمير المؤمنين (ع)
ص ۲۸	۵. «إن لصاحب هذا الأمر غيبة...»	
ص ۵۰	۶. «... كان قد عبد الله ستة آلاف سنة...»	
ص ۶۲	۷. «أنا الصراط المستقيم»	
ص ۶۸	۸. «... هو ظهور قائمنا المعيب...»	
		امام سجاد (ع)
ص ۶۲	۹. «... نحن الصراط المستقيم...»	
		امام باقر (ع)
ص ۴۴	۱۰. «في قوله قل هو القادر على أن يبعث عليكم عذاباً...»	
ص ۶۹	۱۱. «... أرادوا تأخير ذلك إلى القائم...»	
		امام صادق (ع)
ص ۴۴	۱۲. «في قوله تعالى: أو يلبسكم شيعاً...»	
ص ۵۷	۱۳. «... إن الله أنظره إلى يوم يبعث فيه قائمنا...»	
ص ۶۹	۱۴. «الصراط السوي هو القائم...»	
		امام عسكري (ع)
ص ۲۹	۱۵. «... سينفجر لهم ينابيع الحيوان بعد لظى النيران...»	
		معصوم (ع)
ص ۲۹	۱۶. «... اليسر بعد العسر و الفرج بعد الكرب و الرخاء بعد الشدة...»	

«فهرست منابع»

۱. آب حیات، مجید هادی زاده، معاصر، مؤسسه فرهنگی دار الهدی - ۱۳۸۵ ه. ش.
۲. اعتقادات، علامه مجلسی، م. ۱۱۱۰، انتشارات رسالت - ۱۳۷۸ ه. ش.
۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، م. ۱۱۱۰، مؤسسه الوفاء، بیروت - ۱۴۰۴.
۴. بلد الامین، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، م. ۹۰۵، چاپ سنگی.
۵. تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، مصطفی صادقی، معاصر، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ه. ش.
۶. تفسیر تاویل الآیات، سید شرف الدین استرآبادی نجفی، م. ۹۴۰، جامعه مدرسین، قم - ۱۴۰۹.
۷. تفسیر الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، م. قرن ۱۰، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم - ۱۴۰۴.
۸. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود، م. ۳۲۰، چاپخانه علمیه - ۱۳۸۰.
۹. تفسیر مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، قرن ۶، انتشارات ناصر خسرو - ۱۳۷۲ ه. ش.
۱۰. تفسیر المیزان و ترجمه، سید محمد حسین طباطبایی، معاصر، دفتر انتشارات اسلامی - ۱۴۱۷.
۱۱. جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، قرن ۶، انتشارات رضی - ۱۳۶۳ ه. ش.
۱۲. دائره المعارف بزرگ اسلامی، کاظم موسوی بجنوردی، معاصر، چاپ اول.
۱۳. روزگارهایی، کامل سلیمان، معاصر، نشر آفاق - ۱۳۸۱ ه. ش.
۱۴. سایت موعود <http://mouood.org>
۱۵. صحیفه نور، امام خمینی (ره)، معاصر، CD صحیفه نور.
۱۶. غیبت نعمانی، محمد بن ابراهیم، قرن ۴، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷.
۱۷. کافی، شیخ کلینی، م. ۳۲۹، دار الکتب الاسلامیه، تهران - ۱۳۶۵ ه. ش.
۱۸. کمال الدین، شیخ صدوق، م. ۳۸۱، دار الکتب اسلامیه، قم - ۱۳۵۵ ه. ش.
۱۹. لزوم تفکیک علائم حتمی ظهور از علائم غیر حتمی، علی اکبر مهدی پور، معاصر، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی (عج) - ۱۳۸۶ ه. ش.
۲۰. المحججه فی ما نزل فی القائم الحجه، سید هاشم بحرانی، نشر آفاق - ۱۳۷۶.
۲۱. الملاحم و الفتن، سید علی بن موسی بن طاوس، م. ۶۶۴، نشر جهان آرا - ۱۳۸۳ ه. ش.
۲۲. معانی الاخبار، شیخ صدوق، م. ۳۸۱، انتشارات جامعه مدرسین، قم - ۱۳۶۱ ه. ش.

۲۳. معجم احادیث امام مهدی (عج)، معاصر، مؤسسه المعارف الاسلامیه و انتشارات مسجد مقدس جمکران - الطبعة الثانية.
۲۴. مکیال المکارم، سید محمد موسوی تقی اصفهانی، معاصر، نشر مهر قائم - ۱۳۸۳ ه. ش.
۲۵. نهج البلاغه، سید رضی، قرن ۴، انتشارات دار الهجره قم.
۲۶. نیک شهر قدسی، سید محمد عارف حسینی، معاصر، مرکز پژوهش های صدا و سیما - ۱۳۸۲ ه. ش.